

انقلاب و چپ

گفتگو با حمید تقوایی در برنامه سازمانده در کانال جدید

صفحه ۲



مولد سازی بسته ای برای غارت

پویان پیروز، صفحه ۵

از انقلاب ۵۷ تا انقلاب زن زندگی آزادی

یاشار سهندی، صفحه ۷

تجمع خانواده های محکومان به اعدام، اعتصاب کارگران مس فلز رنگین، اعتراضات شبانه

مردمی و اخباری دیگر صفحه ۹

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۱۰

بیانیه پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۱۲

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به مردم ایران! صفحه ۱۱

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران نفت صفحه ۱۳

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به بازداشت شدگان انقلاب جاری، زندانیان

سیاسی، و خانواده های جانباختگان صفحه ۱۴

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به پزشکان و کادر درمان صفحه ۵

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران:

در همدردی با مردم زلزله زده خوی صفحه ۱۴

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به فعالین جنبشهای اجتماعی، صفحه ۱۲

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۶۵

۱۷ بهمن ۱۴۰۱

۶ فوریه ۲۰۲۳



چهارشنبه ها منتشر میشود

صدمات زلزله در خوی

و چهره ضد انسانی

حکومت صفحه ۹

اعتصاب کارگران شرکت

فولاد کاویان، تجمع

کشاورزان اصفهان و اخباری

دیگر

صفحه ۶

تظاهرات بزرگ مردم

زاهدان و اخباری دیگر

صفحه ۸

پیامی از یک کادر حزب به

پلنوم حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۳

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست



انقلاب و چپ

گفتگو با حمید تقوایی در برنامه سازمانده

تدارک دیده است. گفته چنین انقلابی در راه است و نهاد و کارزار انقلاب زنانه را سازمان داده و فعالیت در بسیاری از عرصه های دیگر که اینجا فرصت نیست واردش بشویم. به هر حال از نظر تحزب حزب کمونیست کارگری امروز مرکز و محور چپ متحزب در جامعه هست. سازمان های چپ دیگری هم فعال هستند. ولی وقتی شما به اپوزیسیون راست نگاه میکنید، می بینید حزبی در کار نیست. اگر هم هست موضوعیتی ندارد. فرض کنید حزب مشروطه هست که کاندید پادشاهی اش انصراف داده و معلوم نیست خواستار چی هست.

میخواهم بگویم از نظر تحزب و تشکل های سیاسی، چپ هست که متشکل و فعال است. منظورم هم فقط حزب کمونیست کارگری نیست، احزاب و سازمان های دیگر چپ هم وجود دارند و فعالیت میکنند.

ولی مهم تر شاید حضور متشکل چپ از نظر اجتماعی است. چپ در جامعه، در دل مبارزات کارگری، در دل اعتراضات و اعتصابات که رکورد گذاشته در تاریخ چند ده ساله ایران حضور فعالی دارد. جنبش کارگری هیچ وقت اینقدر فعال نبوده و فعالیت بدون تشکل ممکن نیست. چهره ها، نهاد ها، کمیته ها و شوراها متشکل در جنبش کارگری فعالند که نمونه هایش بسیارست. همچنین فرض کنید در جنبش زنان، جنبش علیه اعدام، جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان، جنبش در دفاع از محیط زیست، جنبش برای دفاع از حقوق کودک، در تمامی این موارد چهره هایی هستند، نهاد هایی هستند، تشکل هایی هستند که اساسا چپ و رادیکالند. به این معنا جامعه یک سرمایه سیاسی مبارزاتی دارد، به خودش تعیین داده است، شکل داده است و از این نظر جامعه ایران کاملا با دوران اختناق آریامهری متفاوت است. در تمام این چهل و خرده ای سال نیروهای چپ، چپ اجتماعی به این معنا که توضیح دادم، در دل مبارزات و جنبش ها علیه جمهوری اسلامی فعال بوده اند. از اولین

شهلا دانشفر: چهار ماه از انقلاب زن، زندگی، آزادی، انقلاب در برابر یک حکومت ضد زن، ضد زندگی و ضد انسان میگذرد و مردم حقیقتا میخواهند با نابودی این رژیم ارزش های انسانی و برابری طلبانه و مدرن را جلو بیاورند. این انقلابی است علیه تبعیض، نابرابری، علیه خرافات مذهبی و برای داشتن یک زندگی انسانی و اینها همه آرمان های سوسیالیستی هستند و از همین رو همواره تاکید کرده ایم که مضمون و محتوای سیاسی این انقلاب که شعار وحدت بخش آن زن زندگی آزادی است، چپ، رادیکال و انسانی است. انقلابی که بازتاب آن در جهان بیسابقه است و بیشترین همبستگی های بین المللی را با خود همراه داشته است. چنین انقلابی طبعاً از وجود یک قطب چپ در جامعه دارد حکایت میکند، اولین سوال من از شما حمید تقوایی اینست که این نیروی عظیم چپ در جامعه به لحاظ ساختاری و تعیین یافتگی تشکیلاتی در چه موقعیتی قرار داد؟

حمید تقوایی: ببینید درست است که انقلاب با مرگ تکاندهنده مهسا امینی آغاز شد، ولی رعدی در آسمان بی ابر نبود. زمینه هایی داشت، شرایطی بود که به این انقلاب منجر شد. شرایطی که قبلش خیزشهای ۹۶ و ۹۸ را موجب شده بود. وقتی آن شرایط را مد نظر قرار بدهید میبینید که چپ به معنای متشکلش نقش تعیین کننده ای در زمینه سازی های این انقلاب داشته و بی جهت نیست که این انقلاب با شعار زن زندگی آزادی سر بر می آورد. هیچ نشانه ای از شعارها و سیاستها و سیستم ارزشی و مقدسات و اهداف اپوزیسیون راست در این خیزش نیست، بلکه کاملاً چپ را نمایندگی میکند.

از نظر تشکل و ساختار پرسیدید در دو سطح می توان پاسخ گفت. در سطح تحزب، خوب حزب کمونیست کارگری یک حزب چپ رادیکال است که همیشه پرچم انقلاب را بلند کرده و حتی به با همین عنوان انقلاب زنانه از سالها قبل آنرا

است. این دستاورد انقلاب است که الان هنرمندان، ورزشکاران، نویسندگان، چهره هایی که شما در سیاست نمیدیدیدشان، الان موضع میگیرند، علیه حکومت میایستند و اظهار نظر می کنند. انقلاب نیروهای جدید را فعال کرده است و این یک دستاورد است. از طرف دیگر نیرو های اپوزیسیون که تا بحال به سرنگونی زیاد کاری نداشتند، از سرنگونی صحبت نمیکردند، الان همه برای انقلاب کلاه از سر برمیدارند. خب اینها به یمن خیابان و همین حرکت انفجاری که گفتم اول هر انقلاب هست، حاصل شده و این پیشروی است. ولی انقلاب ادامه پیدا میکند و بعد از این فوران اولیه هر نیرویی شروع میکند به جمع آوری قوا؛ شروع میکند به متشکل شدن، شروع میکند به تاثیر گذاری سازمان یافته. آن چپ اجتماعی که گفتم در زمینه سازی انقلاب نقش تعیین کننده ای داشته باید خودش را به عنوان بخشی از این انقلاب جاری ببیند و برای پاسخگویی به ضروریات این انقلاب متشکل بشود. و تشکل حول یک خط و سیاست معینی معنی دارد.

چند مثال میزنم: فرض کنید امروز چپ میگوید ما دولت ما فوق مردم نمی خواهیم، سایت چپ حزبی، حزب ما و کلا در استراتژی چپ این هست که می خواهد مردمی که به انقلاب پیوسته اند و از پایین در سطح میدانی مبارزه می کنند، به خودشان شکل بدهند نه تنها به عنوان نیروی فعاله در دل انقلاب بلکه بزنند زیر هر نوع دولت آقا بالا سر و دولت مافوق مردم و به دولت شورائی آینده شکل بدهند.

خب این گفتمان، این خط باید نمایندگی بشود در سطح خیابان، در

خیزش زنان علیه حجاب تا امروز که جامعه بلند شده است، چپ درمبارزات فعال بوده، در صف مقدم بوده، سازماندهی کرده، و سیاست ها و شعارهای رادیکال را اشاعه داده است. در واقع چپ هم در سطح حزبی و هم در سطح اجتماعی و میدانی بطور متشکل، سازمان یافته، و با خط و سیاست ها و شعارهای رادیکال و با نقد ریشه ای اوضاع، در میدان بوده است و انقلاب حاضر برآمد و نماد خیلی روشن پیشروی ها و موفقیت این چپ اجتماعی و متشکل هست.

شهلا دانشفر: شما به درستی به دو سطح از بحث اشاره کردید یکی در سطح تحزب و وجود حزب و دیگری در سطح اجتماعی. بنابراین اجازه بدهید که ابتدا روی بحث چپ در سطح اجتماعی به عنوان یک جنبش اجتماعی، بپردازیم. چطور میشود به این قطب چپ، به این چپ اجتماعی، انسجام بیشتری داد، چطور میشود آن را متعین تر کرد. حزب در این میان چه نقشی دارد؟

حمید تقوایی: این چپ اجتماعی باید همانطور که در زمینه سازی این انقلاب نقش داشته، در خود این انقلاب هم نقش بسیار برجسته و فعالی ایفا کند. برای این دومی هنوز راه درازی به نظر من در پیش داریم. ببینید انقلاب جاری به شکل یک انفجار شروع شد. آغاز هر انقلابی به نظر من همین شکل را دارد. از این نظر انقلاب زن زندگی آزادی استثنا نیست. همه انقلاب ها به یک معنا غیر منتظره و انفجاری شروع میشوند و بسیاری از نیرو ها و چهره ها، سلبرتی ها و کسانی که حتی قبلاً در سیاست نبودند، بمیدان می آیند و نقش ایفا میکنند و این امر مثبتی



انقلاب و چپ...

از صفحه ۲

سطح اعتصابات کارگری، تظاهرات ها، تجمعات، بیانیه هایی که داده میشود که خوشبختانه امروز انتشار این نوع بیانیه ها شروع شده. و باید وسیعتر و عمیق تر بشود. فعالین و چهرهای باسابقه و شناخته شده اعتراضات اجتماعی ای که گفتم در جامعه مدتها فعال بوده اند، در بیانیه هایی که میدهند، در فراخوان هایی که میدهند، در پتیشن های وامضا هایی که جمع می کنند، این ایده که ما دولت مافوق مردم نمیخواهیم باید جاری باشد.

یک مثال دیگر این که جمهوری اسلامی باید در خارج از کشور سرنگون بشود، یعنی در سطح جهانی طرد و منزوی و بایکوت شود. این حکومت نباید در سطح جهانی از نظر دولتها و مجامع بین المللی و سازمان ملل بعنوان حکومت ایران برسمیت شناخته بشود. این گفتمان هم باید از پایین مطرح شود و در شعارهای میدانی، در بیانیه ها و فراخوان ها خودش را نشان بدهد. این هم یک نکته دیگرت.

خیلی نکات دیگر هست که من واردش نمیشوم. کلا باید بر این تاکید کرد که این جامعه ای که بلند شده، مشت به آسمان میکوبد و در برابر این حکومت عالیترین و پیشروترین خواست ها و اهداف را مطرح کرده، باید هم از نظر مضمونی و در نتیجه از نظر تعیین تشکیلاتی پیشروی بیشتری بکند. به خودش انسجام بدهد و به خودش شکل بدهد. خط و مضمون و پلاتفرم سیاسی تشکلهای مطلقا تعیین کننده است. وقتی که فرض کنید از اتحاد صفوف انقلاب یا اهمیت هماهنگی و همراهی صحبت میشود، این تنها حول خط و سیاست رادیکال و انسانی امکانپذیر است. این سیاست و خط را چپ متحزب یعنی حزب ما مطرح میکند.

از این زاویه که نگاه کنید بحث می رود بین رابطه چپ اجتماعی، فعالین میدانی، با چپ متحزب. سیاستهای حزب ما از بایکوت جهانی حکومت بگیرد تا نقد و مقابله با هر نوع حکومت مافوق مردم تا باز کردن معنی آزادی، باز کردن معنی زن زندگی آزادی، این سه کلمه کلیدی این انقلاب، و همینطور

مطرح کردن این که سرنگونی به چه معناست، آیا فقط میخواهیم یک دولتی برود، فقط میخواهیم چند تا آیت الله کنار بروند و یا میخواهیم بزنیم زیر کل این ماشین بوروکراسی، مذهب، سرکوب، نیرو های مسلح، قوانین و همه نهادهای حاکم. تمام اینها گفتمان چپی هست که باید متعین تر بشود و باید سازمان پیدا کند و باید به خودش شکل بدهد.

این حرکت آغاز شده. ما امروز شاهد بیانیه هایی هستیم مثلا علیه اعدام که یک نمونه برجسته بود از طرف چهره های کاملاً چپ، رادیکال، شناخته شده، با نفوذ در جنبش کارگری، جنبش دادخواهی، جنبش آزادی زن و غیره. و یا همین فراخوانی که برای ۱۸ دی ماه داده شد دیدید چهل و چند تشکل که با یک موضع گیری کاملاً رادیکال و چپ آن فراخوان را دادند. به این معنا آن فوران اولیه الان دارد منجر میشود به تعیین بیشتر سازمانی و مضمونی چپ در دل مبارزات، و حزب ما با تمام نیرو می خواهد این روند را تقویت کند، به جلو براند، و در صف چهره ها و نهادهای جنبش اعتراضی اتحاد و هماهنگی بیشتر و بیشتری ایجاد کند.

شهلا دانشفر: نکات جالبی گفتید مثلا این که دولت بالا سر نمیخواهیم این حتی به صورت میدانی در گفتمان های جنبش کارگری به صورت مشخص مطرح شده است. از این صحبت میشود که شوراها پاسخ است. کارگران در مبارزاتشان آترناتیو شوراها را جلوی جامعه گذاشته اند. بطور مثال بارها اعلام کرده اند که ما برده نیستیم که از بالای سر ما مزد تعیین بشود. ما نمیخواهیم که نه در مورد زندگی مان و نه در مورد شرایط کارمان کسی از بالای سرمان تصمیم گیری کند. یعنی زمینه های جنبش شورایی مهیا و فراهم است. و یک نکته مهم دیگر شما رابطه چپ اجتماعی با حزب هست. یعنی عضویت در این حزب به عنوان یک پاسخ سیاسی به این اوضاع و احوال. اما سوال دیگر اینست که الان میبینید که با اوج انقلاب تحركات در طیف راست زیاد شده است. همان طوری که اشاره کردید

اینها حزبی ندارند و این تحركات اساسا تلاشی برای سروسامان دادن به وضع خودشان است. چون می بینند که از سیر انقلاب عقب مانده اند. بد نیست در این مورد بیشتر توضیح دهید. شما این تحركات را چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: یک مورد گفتمان ائتلاف هست که همانطور که گفته شد بین نیرو های راست مطرح است. به نظر من اینها از ائتلاف صحبت میکنند برای اینکه در صفوفشان تحزب به جایی نمیرسد. شما اگر بر وحدت یا کنار هم قرار گرفتن نیرو ها تاکید میکنید، چه در کمپ راست چه در کمپ چپ، اولین پاسخ حزب است. برنامه معینی باید داشت، سیاست های معینی باید داشت، افق و اهداف اعلام شده ای باید داشت و حول اینها باید جمع شد و فعالیت کرد. احزاب یعنی همین. یعنی مجموعه ای از سیاست های نفی ای، انتقادی، اپوزیسیونی علیه حکومت و همچنین سیاست های اثباتی برای اداره جامعه، اقتصاد و شرایط و مناسبات اجتماعی. اینها تبدیل میشود به یک برنامه که معمولا حولش حزب درست میشود. راست نمیتواند این کار را بکند به خاطر اینکه آن افق را ندارد، به خاطر اینکه با اولین بحث در مورد آینده اختلاف بینشان بالا میگیرد. حتی کسانی که طرفدار سلطنت هستند اینکه شاه باشد یا نباشد اختلاف دارند، شاه حکومت کند یا سلطنت اختلاف دارند، خود کاندیدشان میگوید من نمیخواهم شاه باشم اما عده ای اصرار دارند که شاه داشته باشند. حزبی به اسم حزب مشروطه داریم که معلوم نیست دلیل وجودیش چیست. حزب مشروطه سلطنتی که کاندیدش انصراف داده است معلوم نیست منتظر چیست و اصلا برای چه فعالیت میکند. اینها دلایل واقعی هست که اپوزیسیون راست نمیتواند متحد بشود و در نتیجه از ائتلاف دم میزنند. منظورشان از ائتلاف

همراه شدن نیروهای راست است. نمونه اش جبهه هفت آبان است که اسم روز کوروش هخامنشی را روی خودش گذاشته. خوب این جبهه خود نیروهای راست است. روشن است که هیچ نیروی دیگری زیر پرچم کوروش کبیر کنار آنها قرار نمیگیرد. منظورشان هم این نیست، منظورشان اینست که بالاخره اگر سر هر چیزی دعوا داریم، سر کوروش کبیر که دعوا نداریم. بیانید سر این دور هم جمع بشویم.

به این معنا به نظر من گفتمان ائتلاف ربطی به میدان ندارد و ربطی به انقلاب ندارد. نه تنها ربطی ندارد بلکه اگر بطور واقعی و در عمل در مقابل صف مردم است. آیکون انقلاب زن زندگی آزادی کوروش کبیر نیست. این انقلاب حزب خودش را دارد، حزب کمونیست کارگری. این انقلاب از نظر سیاسی سازمان یافته هست، این انقلاب مشکل و متعین است. لازم به این نوع تلاش ها نیست. اگر راست می خواهد متحد شود حقیقتا هر نیرویی میتواند همفکرهایش را جمع کند. اما ائتلاف می کنیم که رهبری انقلاب با کوروش کبیر ممکن نیست. برعکس است، انقلاب برای زدن زیر همه مقدسات مذهبی و ملی میهنی شکل گرفته است. زن زندگی آزادی هیچ نشانی از قدوسیت خاک و آب و مرز و ایرانیت و کوروش کبیر و گذشته پرستی ندارد. علیه همه اینهاست. به همین خاطر باید گفت بحث ائتلاف، یا ائتلاف برای رهبری، یا ائتلاف برای گذار، ائتلاف برای دولت موقت، اینها همه گفتمان هایی است که به نظر من پایه و مایه اجتماعی و واقعی ندارد. در میدان و خیابان مطرح نیست. کما اینکه میبینم بیشتر بحث در خارج از کشور و در میان نیروهای راست مطرح است.

این را هم بگویم که ممکن است توده مردم هم از ائتلاف صحبت کنند و از لزوم



انقلاب و چپ...

از صفحه ۳

واحد لازم است.

حزب ما همیشه، قبل از این انقلاب هم، همیشه در عرصه های میدانی مشخصی که مبارزه کرده، مثلا مبارزه علیه اعدام، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای افزایش دستمزد ها و ارتقای وضعیت معیشتی کارگران و کارکنان، همیشه اهداف، مطالبات و پلاتفرمهای معینی را روی میز گذاشته است و اعلام کرده است که حول این پلاتفرمها برای هرگونه همکاری های عملی آماده است. کمپین هایی بوده که حتی از چهره های راست شرکت کرده اند و ما استقبال کرده ایم. مثل کمپین نجات جان سکینه محمدی آشتیانی یا علیه دادگاه شریعه در کانادا. کمپین هایی که در بسیاری موارد موفق هم بوده اند. حزب ما همیشه پرچم دار این نوع همکاریها بوده است. خب در این انقلاب بحث بر سر جنبش سرنگونی است، مقطعی و عرصه ای نیست. در این جنبش باید بیشتر حول خواسته های اساسی تری مثلا بیانیه هایی که همین مقابله دولت مافوق مردم برابری را مطرح کند و یا برابری اقتصادی، از بین بردن شکاف طبقاتی، و نظایر آنرا روی میز بگذارد. در این صورت ما با هر نیرویی که حاضر باشد پای چنین سندی را امضا کند آماده هر نوع همراهی و همکاری ای هستیم. طبعاً اساساً نیرو های چپ این حرفها را دارند، این خواسته ها را دارند. و این بحثی است در میان نیروهای چپ جامعه.

خلاصه کنم بحث ائتلاف بین چپ، به هر معنی که بگوئید، از کنار هم قرار گرفتن و جبهه، و اتحاد، تا ائتلاف و همکاری عملی و غیره کاملاً موضوعیت دارد ولی در تمامی این موارد اساس اینست که حول چه سیاستی و حول چه پلاتفرمی. این را ما درست و ممکن میدانیم و حزب ما همیشه در فعالیت های خودش تلاش کرده این امر اتفاق بیفتد.

شهلا دانشفر: با توجه به نکاتی که اشاره کردید اعضا و کادر های حزب در این شرایط معین انقلاب چه نقشی می توانند داشته باشند، شما چه تأکیداتی دارید؟
حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم

اینکه کنار هم قرار بگیریم صحبت کنند ولی این بحث دیگری است. مردم اگر از ائتلاف صحبت میکنند ائتلافی را میخواهند که انقلاب تقویت بشود، ریشه ای تر بشود، پیروزی تضمین شده تر بشود، نه ائتلاف برای اینکه ارزش های ملی میهنی خاک و آب را و گذشته گرانی را که ربطی به زن زندگی آزادی ندارد و کاملاً نقطه مقابل آنست را را وارد کنیم. منظور مردم از ائتلاف فشردگی و انسجام بیشتر نیروهای اپوزیسیون حول یک خط رادیکال و نقد ریشه ای اوضاع هست که بتواند واقعا خشت روی خشت جمهوری اسلامی باقی نگذارد. نیروهای راست نه تنها این را نمایندگی نمیکند بلکه تمام سابقه فعالیتشان نقطه مقابل اعتراض و نقد ریشه ای به وضع موجود بوده است. ائتلاف به روایت راست همانطور که گفتم یک امر درون جنبشی خودشان است آنهم به این خاطر که نمیتواند وحدت حزبی داشته باشند. به نظر من معنی واقعیش این هست.

شهلا دانشفر: یک پاسخ به این اوضاع از طرف برخی این هست که جریان های چپ متحد بشوند. نوعی از ائتلاف چپ صحبت میکنند. شما پاسختان به این بحث چیست؟

حمید تقوایی: ببینید هر نوع اتحادی، حالا جدا از این گفتمان پوچ ائتلاف که راست مطرح میکنند، قبل از اینکه به تعداد و کمیت مربوط بشود به این سوال باید جواب بدهد که اتحاد حول چی؟ برداشت های متفاوتی هم از اتحاد میشود داشت. از همکاری های عملی میدانی بر سر مسائل مشخص گرفته تا ائتلاف سیاسی و تشکیل جبهه و حتی اتحاد سازمانی و غیره. ما با هیچ کدام از اینها از نظر پرنسیپال اختلافی نداریم. همه اینها را بین نیروهای چپ میشود داشت منتها در همه موارد باید روشن باشد که حول چه سیاست و خط مشخصی. یک پلاتفرمی، سیاستی، یک خط تاکتیکی مقطعی و یا استراتژیک مربوط به انقلاب، مربوط به اداره جامعه، مربوط به امر سرنگونی لازم است. یک بیانیه، یک خط، و یک پلاتفرم

همانطور که شما گفتید اداره شورایی را هفت تپه مطرح کرد که مورد استقبال هم قرار گرفت. این را باید باز کرد که منظور از اداره شورایی چیست. اگر چنین حرکتی را بخواهیم تقویت کنیم آنوقت کلیدش اینجاست که رابطه ای برقرار کنیم بین چپ متحزب و چپ اجتماعی.

فراخوان من به اعضا و کادرها این است که این رابطه را ببینید و حول سیاست هایی که حزب مطرح کرده و من اینجا برخی را فقط اشاره وار گفتم، نیرو جمع کنید. متشکل کنید. منظورم این نیست که همه لزوماً عضو حزب شوند. عضوگیری یک وظیفه روتین هست و همیشه باید مردم را به حزب فرا خواند. ولی اینجا تأکید من اینست که در یک سطح وسیع اجتماعی حول سیاست های رادیکال حزب باید نیرو جمع کرد. ممکن است کسی عضو حزب باشد یا نباشد، کافی است موافق باشد که مثلاً نباید دولت مافوق مردم را پذیرفت، موافق باشد که سرنگونی به معنی انحلال کل بوروکراسی و ماشین دولت مافوق مردم و زندانها است. موافق باشد که مقصود از برابری فقط برابری حقوقی و مدنی نیست، برابری اقتصادی و اجتماعی هم هست.

حول چنین نکاتی باید متشکل شد. حول این باید فراخوان داد. الان دوره ای است که فراخوان های متعددی داده میشود، بیانیه های زیادی داده میشود، پتیشن های مختلفی مطرح میشود. من اعضا و کادرهای حزب را فرا میخوانم که حول این سیاست هایی که برخی را اشاره کردم، در انواع و اقسام اشکال مبارزاتی هر چه بیشتر صفوف انقلابیون و فعالین انقلاب را متشکل کنند، متحد کنند و به آن تعین تشکیلاتی بدهند. این گام مهمی در جهت تعمیق و تقویت انقلاب و پیشروی و پیروزی آن خواهد بود.

۲۴ دی ۱۴۰۱ - ژانویه ۲۰۲۳

چپ پایگاه اجتماعی وسیعی دارد. این چپ اجتماعی گرچه بخش کوچکی از آن حزبیست یافته است، عمیقاً رادیکال است و تشنه خواست هایی است که اینجا بحث کردیم مثل برابری سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، زدن زیر بوروکراسی و دولت مافوق مردم، نقد عمیق جمهوری اسلامی، مذهب زدایی و غیره.

ما همیشه گفته ایم که یک رزنانس ضد مذهبی در راه است، از سالها قبل پرچم انقلاب زنانه را بلند کرده ایم، گفته ایم چطور آزادی زن معیار آزادی کل جامعه هست. اینها اهداف و خواستها و گفتمانهای هست که ما مطرح می کنیم. حول اینها باید آن سرمایه اجتماعی چپ که به آن اشاره کردم کنار هم قرار بگیرد و متحد بشود. در جنبش کارگری، در جنبش زنان، در جنبش دادخواهی، در جنبش معلمان، در جنبش بازنشستگان، در جنبش علیه اعدام، جنبش آزادی زندانی سیاسی و غیره چپ قوی است. چپ به معنی مشخص افراد، چهره ها حتی تشکل ها، قوی است. اینها باید کنار هم قرار بگیرند. این نیرو باید هماهنگ شود، و حول شعارهای کلیدی، حول بیانیه ها و قطعنامه ها و فراخوان ها ی کلیدی کنار هم قرار بگیرند.

همانطور که اشاره کردم خوشبختانه حرکتی در این جهت شروع شده. مثل بیانیه جمع وسیعی از چهره های جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی علیه اعدام. چنین حرکتی باید بسط پیدا کند و نه فقط حول خواست معینی مثل لغو مجازات اعدام یا آزادی زندانیان سیاسی بلکه با افق و چشم اندازی که مقابل جامعه میگذارد، با اعلام اینکه در شعار زن زندگی آزادی منظور ما از رهائی زن چیست، منظور ما از آزادی و از زندگی چیست. منظور ما از برابری چیست و همچنین در مورد شیوه اداره جامعه چه میگوئیم.

مولد سازی بسته ای برای غارت

پویان پیروز

شیوه حکمرانی در ایران بر مبنای غارتگری است. در حقیقت منطق اقتصادی حاکم در ایران بر پایه اقتصاد "غارتی" بنا نهاده شده که در آن شاکله حکومت برای تصاحب خصوصی منابع و ثروت های عمومی که به مردم تعلق دارند همه تلاش خود را بکار می بندد و در این راه به دارایی های موجود حتی آشکارا با توسل به زور و خشونت، تعرض می کند. در این شکل از حکمرانی اقتصادی، سه گروه بیشترین نقش را در چپاول و غارت اموال و دارایی های کشور ایفا می کنند. گروه نخست دستگاه روحانیت و نهادهای دینی و مذهبی است که قدرت سیاسی را در اختیار دارد و از راه متمرکز کردن ثروت های ملی در بنگاه های مالی و اقتصادی متعلق به خود و امپراتوری مالی خامنه ای ثروت اندوزی می کند.

گروه دوم نهادهای نظامی و امنیتی هستند که وظیفه اصلی آنها حفظ قدرت و کمک به بقای قدرت حاکم است و در حقیقت بیشتر از آن که به دنبال بازتولید سرمایه باشند نقش اصلی آن ها در بازتولید قدرت است و گروه سوم وابستگان، نزدیکان (آقازاده ها) و وفاداران به حکومت هستند که از طریق بهره بردن از رانت و امتیازات بی حد و حصر، به سادگی صاحب ثروت های بادآورده می شوند.

نمونه های مشخص و بی شماری از غارتگری این سه گروه و دسته را می توان برشمرد.

- تملک قهرآمیز اراضی کشاورزی که به بهانه راهسازی، سد سازی، احداث صنایع، ایجاد و احداث مناطق نظامی و امنیتی خصوصا در مناطق مرزی و غیره صورت گرفت.

- تصاحب زمین ها و اراضی مرغوب تحت نام نهاد دینی "اوقاف".

- تصاحب و توقیف اموال و دارایی های سران و نزدیکان حکومت سابق به نفع نهادهایی همچون بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، آستان قدس و ستاد اجرایی فرمان امام.

- غارتگری از طریق سیاست

"بانکداری اسلامی" و ایجاد نهادهای موازی با بانک ها نظیر صندوق های سپرده گذاری و موسسات مالی اعتباری که به غارت منابع و دارایی های مالی مردم در ابعاد گسترده ای منجر شد.

- در اختیار گرفتن صندوق های بازنشستگی (۱۸ صندوق) که در نتیجه فساد و اختلاس دولتی ها و انتصاب نزدیکان حکومت در هیات مدیره های این صندوق ها، به چپاول دارایی های آنها و رسیدن به مرز ورشکستگی انجامید.

- تملک صنایع و کارخانجات متعدد تحت سیاست ویرانگر "خصوصی سازی" که نتایج زیانبار آن ورشکستگی کارخانجات، اخراج و بیکاری گسترده کارگران و فروش زمین، تاسیسات و اموال آنها بود.

- اعطای امتیاز فروش نفت به افراد معتمد به بهانه دور زدن تحریم ها (وابستگان به حکومت، بنیاد تعاون ناجا و این آخری قرارگاه خاتم سپاه).

- تصاحب معادن متعدد نظیر مس، سنگ آهن، زغال سنگ، سنگ های قیمتی و سایر معادن کانی توسط عوامل حکومت و سپاه.

- احداث پتروپالایش های متعدد توسط قرارگاه خاتم سپاه و نیروهای امنیتی و وابستگان آنها با استفاده از امکانات و امتیازاتی نظیر زمین رایگان، مواد اولیه ارزان و سوخت ارزان قیمت، همراه با استعمار نیروی کار و غارت مزدی کارگران با تصویب قانون مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی. و ...

بی شک این فهرست تنها به موارد اشاره شده در بالا خلاصه نمی شود و دهها شکل و شیوه دیگر از کارکرد ماشین غارت حکومت اسلامی وجود دارد که می تواند و باید زیر ذره بین قرار گیرد. اما موضوعی که ضرورت پرداختن به این مهم را ایجاد کرد، ادامه سیاست های غارتگرانه حکومت اسلامی تحت عناوین، روشها و اسامی دیگر است که باید آن را افشا کرد.

تازه ترین این موارد ابلاغ مصوبه "مولد سازی" به شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا است که پنجم بهمن

ماه با امضا و تایید خامنه ای به اجرا درآمد و در شماره قبلی نشریه «کارگر کمونیست» در یادداشتی تحت عنوان (مولد سازی، اسم رمز جدید برای چپاول) تا حدودی به آن پرداخته شد.

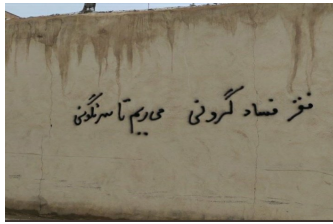
این نوشته سعی دارد زوایای دیگری از همدستی خامنه ای با سران سه قوه برای تصاحب باقی مانده های دارایی ها و اموال عمومی را روشن سازد. او در دیداری که روز دهم بهمن با گروهی از تولیدکنندگان داشت از سیاست جدید خود در موضوع خصوصی سازی دفاع کرد و گفت دستگاه های اجرایی باید از توسعه بنگاه های خصوصی حمایت کنند چرا که کشور بدون فعالیت بنگاه های خصوصی اداره نمی شود.

به گفته خامنه ای اشتباه مهم در سال های اول انقلاب این بود که بخش خصوصی را کنار زدند و همه کارها را، حتی فروش مثلا اجناس خرد را به مسئولین، دولت و دستگاه های دولتی سپردند.

خامنه ای با دفاع از خصوصی سازی گفته است ایرادات پیش آمده مربوط به نحوه اجرای این سیاست توسط دولت ها بوده است.

این نکته که دولتها مقصر ناموفق بودن سیاست خصوصی سازی بوده اند نشان می دهد این بار خامنه ای قصد دارد اجرای این اصل غارتگرانه را از جایی فراتر از دستگاه دولت پیش براند، و آن جایی نیست جز امپراتوری مالی و اقتصادی که مستقیما زیر نظر او اداره می شود.

بنابراین مسئله تنها به یک تغییر نام از "خصوصی سازی" به "مولد سازی" منتهی نمی شود، چرا که این سیاست دستکم در سه دهه گذشته همواره در حال اجرا بوده و نیازی به مصوبه جدید و تشکیل هیاتی هفت نفره با اختیارات ویژه و مصونیت قضایی نداشته است؛ تشکیل این هیئت با محوریت محمد مخبر اداره کننده بنگاه های مالی خامنه ای و هدایت کننده ماشین غارت او به وضوح مشخص می کند که این بار قرار است چوب حراج به باقی مانده های ثروت های عمومی به نفع چه کسی و چه نهادی زده شود و نمی



تواند صرفا برای واگذاری چند کارخانه زیان ده و یا چند ملک و زمین بلا استفاده باشد.

کمتر از دو هفته پس از تشکیل "هیئت عالی مولدسازی" به سرعت این طرح به اجرا درآمده است.

روز شنبه ۱۵ بهمن، فهرستی شامل طیف وسیعی از املاک، دارایی ها و شرکت های وابسته به بانک تجارت منتشر شده که ذیل مصوبه "مولد سازی" آماده فروش و انتقال مالکیت شده اند.

برخی موارد این فهرست عبارتند از: یک شرکت تولید لبنیات در قم، مجتمع ذوب و نورد فولاد زنجان، یک ساختمان اداری ۱۰ طبقه در تهران، شرکت فرآورده های گوشتی و پروتئینی جی در اصفهان، یک مجتمع تجاری و تفریحی در تهران، مجتمع تجاری تفریحی در کرج، یک واحد تولید لوله های پی وی سی و ماشین آلات خط تولید فرآورده های لبنی در خرمشهر.

علاوه بر این ها قرار است ۹۹۰ ملک و اموال دو وزارتخانه آموزش و پرورش و جهاد کشاورزی (تعداد ۴۷۰ دارایی متعلق به وزارت جهاد کشاورزی و ۵۲۰ دارایی متعلق به وزارت آموزش و پرورش) نیز فروخته شوند.

از سوی دیگر اعضای شورای شهر تهران نیز به شهرداری مجوز داده اند تا هرچه سریعتر شش ملک خود به ارزش بالغ بر پنج هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان را بفروشد.

سال ۱۳۹۵ بود که مشخص شد، قالیباف شهردار تهران به برخی از مدیران حکومتی، نمایندگان مجلس، مقامات نیروی انتظامی و چند مقام و مأمور امنیتی، املاکی در شمال تهران با قیمت های نجومی را با ۵۰ درصد تخفیف واگذار کرده که برای پرداخت ۵۰ درصد باقی مانده وام های کلان با بازپرداخت ناچیز در نظر گرفته شده است. به نظر می رسد این بار هم قصد

اعتصاب کارگران شرکت فولاد کاویان، تجمع کشاورزان اصفهان و اخباری دیگر



روز گذشته ۶ بهمن کارگران شرکت فولاد کاویان در اهواز در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل که یکسال و نیم است به تعویق افتاده و خلف وعده مدیران شرکت و سطح نازل حقوق‌هایشان دست به اعتصاب زدند و مقابل در ورودی شرکت تجمع کردند. این اعتصاب در شیفیت شب نیز ادامه یافت. در این شرکت هزار کارگر به کار اشتغال دارند که حدود هفتصد نفر آنها بصورت پیمانی در استخدام شرکت هستند.

روز گذشته همچنین گروهی از کشاورزان اصفهان در ادامه تجمعات اعتراضی خود و عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان با خواست حقایبه و عدم بازگرداندن شدن آب زاینده رود به این رودخانه به سوی تهران حرکت کردند.

موج حمایت از فرهاد میثمی زندانی سیاسی ای که چهارماه است در اعتصاب غذا بسر میرد، ادامه دارد. روز گذشته جمعی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در تهران در حمایت از او دست به تحصن زدند. همچنین حدود ۳۸۰ نفر از فعالان زنان در نامه‌ای با قدردانی از فعالیت‌های فرهاد میثمی در مخالفت با حجاب اجباری و علیه عدم، از او خواسته‌اند تا به اعتصاب غذای خود پایان دهد. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران نیز طی نامه‌ای با اشاره به انعکاس جهانی صدای فرهاد میثمی از او خواسته‌اند که به اعتصاب غذایش خاتمه دهد.

فرهاد میثمی با اعلام سه خواست توقف اعدام معترضان، آزادی ۶ زندانی سیاسی-مدنی و توقف آزارهای مربوط به حجاب اجباری، دست به اعتصاب غذا زده است. او در وضعیت جسمانی بسیار ضعیف و ناجوری قرار دارد و جانش در خطر است. فرهاد میثمی در مرداد ۱۳۹۷ دستگیر شده و با شش سال حکم در زندان رجایی شهر بسر میرد. جرم او مخالفت با حجاب اجباری است.

خبر دیگر اینکه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان نیز مسابقات ورزشی فرهنگیان در دهه فجر را تحریم

کرد. در مقدمه این بیانیه چنین آمده است: "اخیرا مسئولان آموزش و پرورش با برگزاری نمایشی تحت عنوان "مسابقات ورزشی فرهنگیان به مناسبت دهه فجر" در پی آنند که برای نظام مشروعیت بخرند و به افکار عمومی نشان دهند که معلمان از آن ناراضی نیستند و در جشن‌های سالگرد پیروزی شرکت می‌کنند. این در حالی است که حکومت نه برای ورزش، نه فرهنگ و هنر و نه حتی انسان، اندک ارزشی قائل نبوده و نیست. ۴۳ سال سرکوب مردم، کشتار شهروندان در سالهای ۶۷، ۸۸، ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ و اخیرا هم اعدام قهرمانانی چون محمد مهدی کرمی، سید محمد حسینی، مجیدرضا رهنورد و نیز دستگیری، زندانی نمودن و فشار بر ورزشکاران محبوب و باشرفی نظیر وریا_غفوری، علی دایی، امیر نصرآزادانی، پرویز_برومند و... شواهد بارزی بر این مدعاست." در ادامه این شورا مینویسد: "لذا جامعه معلمان ایران مسابقات مذکور را تحریم نموده و هرگونه مشارکت یا همکاری در برگزاری آن را مصداق بارز مزدوری و حمایت این شرکت‌کنندگان از کسانی می‌دانیم که هیچ‌گونه ابایی از شکنجه، اعدام و به رگبار بستن جوانان و ورزشکاران نداشته و ندارند."

شعاردهی های شبانه در محلاتی از تهران و شهرهای دیگر بخصوص در ایام "دهه فجر" جمهوری اسلامی شدت گرفته است و کارزاری مردمی برای پایین کشیدن پوسترها و نشانه‌های تبلیغاتی حکومتی به این مناسبت در شهرهای مختلف در جریان است. روز گذشته در اهواز شماری از جوانان به یک مرکز بسیج کوکتل زدند. در محلات بسیاری از تهران و شهرهای دیگر جوانان بنرهای تبلیغاتی حکومت را پایین کشیده و به آتش کشیدند.

زلزله در خوی و رها شدن مردم زلزله زده در سرمای گزنده زمستان از سوی حکومت به اعتراض مردم در این منطقه شدت داده است. همبستگی و کمک رسانیهای مردمی به زلزله زدگان وسیعا از

شهرهای دیگر شکل گرفته است. در همین رابطه جمعی از زندانیان سیاسی طی نامه‌ای ضمن اعلام حمایت از مردم خوی به کارزار کمک رسانی به زلزله زدگان فراخوان داده‌اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "مردم از یک سو گرفتار زلزله‌های متعدد، سرمای طاقت فرسا و کمبود نان و غذا و چادر شده و از سوی دیگر گرفتار حکمرانی ناکارآمدی هستند که با سنگ اندازی مانع کمک های انسان دوستانه داخلی و بین‌المللی می‌شود و آن‌ها را از حداقل های اسکان در سرمای زیر صفر درجه همچون کانکس محروم می‌دارد. ما زندانیان سیاسی عقیدتی زندان اوین ضمن ابراز همدردی با مردم مصیبت زده شهرستان خوی و نگرانی عمیق مان از وضعیت نامساعد زلزله زدگان؛ عموم مردم را که

بارها در سختی‌ها کنار هم بودن را تجربه کرده‌اند دعوت به پیوستن به کارزار کمک حداکثری به مردم زلزله زده خوی می‌کنیم تا شاهد تقویت جبهه مردم و تسلیم حاکمیت در برابر اراده آن‌ها باشیم." امضا کنندگان این فراخوان عبارتند از: ۱- جعفر ابراهیمی ۲- توحید امیر امینی ۳- رسول بداعی ۴- جعفر پناهی ۵- محمد حبیبی ۶- امیر سالار داوودی ۷- حسین رزاق دوست ۸- حسن سعیدی ۹- محمد شریفی مقدم ۱۰- رضا شهابی ۱۱- مصطفی عبدی ۱۲- کاظم علی‌نژاد ۱۳- علیرضا فرشی دیزج ینکانلی ۱۴- کیوان مهتدی ۱۵- اکبر نعیمی ۱۶- علی نوری.

زنده باد همبستگی مردمی.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ بهمن ۱۴۰۱، ۶ فوریه ۲۰۲۳

مولد سازی بسته‌ای...

دارند تحت لوای طرح مذکور به کسانی که نقش موثر و مهمی در سرکوب اعتراضات سراسری اخیر داشتند پاداش های ویژه اعطا کنند و بخشی از این دارایی‌ها هم بعد از تبدیل به پول به خارج از کشور منتقل شود.

اکنون که اقتصاد کشور به مرحله فروپاشی و بن بست رسیده و در حالی که میلیون‌ها انسان در فقر و فلاکت زندگی می‌کنند، برای حکومت چپاولگر راهی جز تاراج و غارت تتمه دارایی‌ها و ثروت‌های عمومی باقی‌نمانده تا از این طریق بقای خود را با تأمین هزینه‌های سرکوب و کشتار تضمین نماید.

هزاران هزار میلیارد تومان اموال متعلق به مردمانی که در زیر خط فقر به نان خالی

از صفحه ۵

محتاج هستند به دستور خامنه‌ای در معرض موج جدیدی از غارت قرار گرفته است چرا که پس از خیزش انقلابی مردم برای سرنگونی حکومت، امید خامنه‌ای به بقای نظامش به شدت از دست رفته و به همین دلیل دستور حراج و تاراج باقی مانده دارایی‌های عمومی را صادر کرده است. عمر این حکومت ننگین و فاسد و چپاولگر به پایان نزدیک شده و سراسیمه به غارتگری جدیدی روی آورده است. این بسته چپاولگری حکومت لازم است و می‌تواند به یک موضع اعتراضی وسیع بدل شود. سیاست غارتگری نظام اسلامی باید در خیابان پاسخ بگیرد.

از انقلاب ۵۷ تا انقلاب زن زندگی آزادی

یاشار سهندی

در سالگرد انقلاب ۵۷ جا دارد به یکی از پدیده های آن، کتابهای جلد سفید و چگونگی نقش آن در جنبش کمونیستی ایران اشاره کنیم. این کتابها جوابگوی عطشی نسلی بود که پا در میدان گذاشته و درگیر انقلاب علیه حکومت سلطنتی سرمایه در ایران بود که منجر به سرنگونی آن حکومت گردید. بخش بزرگی از این کتابها آثار مارکس و انگلس و لنین بود که در سطح وسیعی، چاپ و توزیع می شد.

آثار این سه تن را کمونیستهای ایران زیر و رو میکردند تا تصویر روشنی از اتفاقات جاری بدست آورند. این آثار جوابگویی به نیازهای زمان خود بود، یکی از نیازهای اساسی تشکیلاتی به نام حزب کمونیست در ایران بود. از آخرین حزبی که به این نام تشکیل شده بود و فعالیت کرده بود و در اثر سرکوب رضا شاه و استالین به محاق رفته بود، چندین دهه گذشته بود. اما انقلابی که در جریان بود نیاز این تشکل را دوباره با شدت افزونتری مطرح کرده بود. "جنبش کمونیستی ایران" در عطش دست یافتن به آن بی تابی میکرد.

بحث تشکیل حزب کمونیست، نه برای تریین ویتترین جنبش کمونیستی ایران بلکه برای این بود که کمونیستها در ایران درگیر تجربه انقلاب توده ای بودند که در نوع خودش بی نظیر بود، انقلابی که ضد انقلاب در سرکوب آن به خشونت بارترین اشکال متوسل شد. از شلاق بر پیکر مردم، تا بمباران شهرها. از چماق کشی در خیابانها تا شکنجه و اعدام در زندانها اشکال وحشیانه ای ازین سرکوب بود. کمونیستها دربر به دنبال چرایی این بودند که چطور ضد انقلاب اسلامی توانست بر انقلاب چیره شود و اینکه چطور کمونیستها میتوانند متشکل شوند و جلوی این روند را بگیرند.

"اتحاد مبارزان کمونیست" یکی از دهها گروه و سازمان چپ بود که با طرح بحث هایش، به این نیاز، جواب روشنتری داد. بحث های این گروه که معروف به

جریان "مارکسیسم انقلابی" شده بود، به سرعت باور نکردنی ای در جنبش کمونیستی مورد استقبال قرار گرفت. چگونگی تشکیل حزب کمونیست یکی از محورهای مهم بحثهای جریان مارکسیسم انقلابی بود. جریانی که مجبور شده بود از صفر شروع کند چرا که آن چیزی به اسم کمونیسم مطرح بود، هر چیزی بود جز کمونیسمی که مانیفست تعریف کرده بود. مانیفستی که اساسا برای نشان دادن تمایز خود با سوسیالیسم های دیگر نوشته شده بود تا نشان دهد بر چه اساسی به جامعه و تاریخ نگاه میکند و نقش طبقات و احزاب در این میان چیست.

"مانیفست کمونیست، بین الملل اول، انقلاب اکتبر، بین الملل سوم و انقلابیون کمونیست بیسمار در طول این دهها سال، میلیونها کارگر را تحت پرچم کمونیسم بسیج کردند، ایده کمونیسم، ایده الغای مالکیت خصوصی بورژوازی، ایده تشکل پرولتاریا در یک حزب مستقل سیاسی، و ایده کسب قدرت را در میان کارگران کاشتند و بارور کردند. آری، کمونیسم تاریخی دارد، و این تاریخ بارها موجودیت کمونیسم را به مثابه جریانی متعلق به پرولتاریا به ثبوت رسانیده است... کمونیستها آن بخشی از پرولتاریا هستند که منافع پرولتاریا را بر علیه مالکیت خصوصی بورژوازی بطور کلی و کل نظام سرمایه داری در تمام وجوه آن نمایندگی میکنند. این محور تمام نظریات کمونیستی است. اما تمایز کمونیستها با دیگر جریانات ... در عمل نیز متمایز است... کمونیسم گرایشی در جنبش طبقه کارگر است که با اهداف و روشهای مستقل خود از سایر جریانات سیاسی - طبقاتی متمایز میشود. حزب کمونیست تشکل حزبی این جریان مشخص و متمایز است. کمونیسم یک جریان کلی و عام است، اما حزب کمونیست پدیده و مقوله ای مشخص است. حزب، آن تشکل سیاسی ای است که اهداف و شیوه های کمونیستی را به نحوی ادامه کار و استوار اتخاذ میکند و رواج میدهد. حزب کمونیست، کمونیسم



"کاریزماتیک" باشد، حرفش حرف آخر باشد؛ از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن! اما رهبری کاریزماتیکی که حرفهای مهم و دوپهلوی بزند دوره اش سپری شده چرا که جامعه ایران به شدت قطبی شده است. راست نمی تواند حتی به یک ائتلاف دست پیدا کند حالا هر چقدر هم نظر سنجی راه بیندازد و از شاهزاده پهلوی تا علی دایی و علی کریمی و مسیح علینژاد و شیرین عبادی درصدی بندی کنند که چقدر شانس دارند، قادر به این کار نیستند چه رسد به رهبری انقلابی که می رود نه تنها جامعه ایران، بلکه جهان را درگرو کند.

بحث رهبری انقلاب جاری، برای کمونیستها نیز مطرح است. اما هستند که خود را کمونیست میخوانند و تا همین رهبری را با اعلام مواضع اشتباه گرفته اند. و بسیار بدتر از آن کمونیسمی که ادعای متحزب بودن هم دارد و بعد از چهار دهه بالا و پایین شدن و شکست و ریخت داشتن تازه مدعی است حزب کمونیستی "در کنار طبقه کارگر" برای "رفع موانع و محدودیتهای سد راه طبقه کارگر" تلاش میکند تا شاید رهبری، آنهم نه رهبری انقلاب جاری بلکه "خیزش انقلابی" برای "طبقه کارگر سوسیالیست" را تأمین کند! این سخنان اشتباه معرفتی نیست این سخنان صادقانه جریانی است که نمی تواند نقشی جز گروه فشار در تاریخ واقعی برای خود قایل باشد.

در دنیای واقعی، در تاریخ واقعی کمونیستها نماینده سیاسی طبقه کارگر محسوب میشوند، باید اینگونه خود را به جامعه بشناسانند. اگر موانع و محدودیتهایی سد راه طبقه کارگر باشد این بطور واقعی سد راه حزب سیاسی او محسوب میشود. کمونیستها "فرشته نجات" طبقه کارگر نیستند، بلکه بخش پیشرو آن طبقه هستند که تلاش در

متشکل است؛ و لذا هر تشکل که اولاً این اهداف و شیوهها را بشناسد، آن را از آن خود بداند، به آن متعهد شود، مبارزه خود را بر مبنای آن سازمان دهد و به پیش برد و ثانیاً، از توان کافی و استواری عملی لازم برای ادامه کاری و ثبات قدم در این امر برخوردار باشد، یک حزب کمونیست است.

آنچه نقل شد بخشی کوتاه از یک مقاله با عنوان "حزب کمونیست ایران درگرو چیست؟"، نوشته منصور حکمت و ف. پرتو است که در نشریه "سوسیالیسم" در بهمن سال 61 منتشر شده است؛ که در اوج سالهای سرکوب سیاه دهه 60، نوید تشکیل حزب کمونیست را میداد. همه این تلاشها برای این بود که طبقه کارگر دارای نماینده سیاسی باشد که "از سایر جریانات سیاسی - طبقاتی متمایز" بتواند این طبقه یا گرایش کمونیستی این طبقه را نمایندگی کند. "کمونیسم متشکل" در یک حزب سیاسی فرجام کار نبود و نیست، این تشکل تماماً برای این است که به قدرت سیاسی دست یابد.

جریان وکالت سازی شاهزاده پهلوی هر بدی داشت، این خوبی را به همراه داشت، که بار دیگر بحث حزب و حزبیّت و متشکل شدن و متشکل بودن را، این بار اما در سطح کل جامعه مطرح کرد. در جایی مانند بلوچستان، وقتی کسی یا کسانی از سر تگ دستی روی یک پوشه سبز رنگ در جواب به پروژه وکالت سازی تاکید کرده اند: "ما خودمان حزب داریم این را بفهمین!" بیانگر این است که مسئله حزب و حزبیّت در انقلاب جاری نه در محدوده فعالین یک جنبش معین، بلکه در نزد توده مردم مطرح است.

در پروسه انقلاب جاری بحث رهبری انقلاب به موضوعی داغ تبدیل شده است. راست تنها در پی رهبری فردی است که



قرار دارد و جان او در خطر است. فرهاد میثمی در مرداد ۱۳۹۷ دستگیر شده و با شش سال حکم در زندان رجایی شهر بسر میبرد. جرم او مخالفت با حجاب اجباری است. او اکنون در برابر سرکوبگریهای جنایتکارانه حکومت برای اینکه صدایش شنیده شود با اعلام سه خواست توقف اعدام معترضان، آزادی ۶ زندانی سیاسی-مدنی و توقف آزارهای مربوط به حجاب اجباری دست به اعتصاب غذا زده است. با حمایت از او و خواستهایش که خواستهای همه مردم است در همه جا صدای وی باشیم. با قدرت انقلاب میتوان همه زندانیان دربند را آزاد کرد و بساط جهمی جمهوری اسلامی را جارو کرد.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ بهمن ۱۴۰۱، ۳ فوریه ۲۰۲۳

اولین روز "دهه فجر" حکومتی و فریاد شعارهای سرنگونی و ضد حکومتی ده نفر از مردم معترض دستگیر شدند. در رابطه با این دستگیری عبدالوهاب بخشنده دادستان ایلام میگوید: "شب گذشته تعدادی قریب به ۱۰۰ نفر با تجمع در میدان بسیج و سردادن شعارهای ناهنجار، اقدام به اغتشاش و برخی نآرامیها کردند." او ضمن تایید زخمی شدن ۵ تن از مردم معترض در درگیری با نیروی سرکوب حکومت و سطحی خواندن زخم آنها، از تشکیل پرونده برای این بازداشت شدگان خبر داد. دادستان ایلام علت این تجمع را اعتراض به دستگیری یکی از مردم معترض به اسم سجاد مرادی وندی اعلام کرد. مردم آبدانان خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط عزیزان دستگیر شده خود هستند.

بنا به یک گزارش دیگر فرهاد میثمی یکی از زندانیان سیاسی که در اعتصاب غذا بسر میبرد در وضعیت جسمی خطرناکی

تظاهرات بزرگ مردم زاهدان و اخباری دیگر

بار دیگر تجمع داشتند و پیگیر مطالبات خود از جمله حقایق شدند. همچنین در این روز اعتصاب و تجمع کارگران شرکت فولاد سیرجان واقع در منطقه گل گهر در برابر این شرکت در اعتراض به پایین بودن حقوق و مزایای خود وارد سومین روز خود شد.

شعارهای ضد حکومتی شبانه در محلاتی از تهران همچون تهران پارس، نازیآباد، جمالزاده، شریعتی، اکباتان و مجتمع های مسکونی شهرک باقری در غرب شهر و نیز در شهرهای دیگری چون اصفهان، رشت، مشهد، و شهرهایی از کردستان و بندرعباس شب گذشته نیز طنین انداز شده بود. تخریب بنرهای تبلیغاتی حکومت و شعار نویسی علیه رژیم از جمله اشکال دیگر اعتراضات مردمی است که گسترش یافته است.

خبر دیگر اینکه بدنال کارزاری گسترده مسعود فرهیخته از فعالین جنبش معلمان شب چهارشنبه ۱۲ بهمن بعد از سه ماه بازداشت با تودیع وثیقه و با استقبال فعالین معلم و کارگری از زندان تهران بزرگ موقتاً آزاد شد. یک روز پس از آزادی مسعود فرهیخته جمعی از فعالان معلم و کارگری در کرج با مسعود فرهیخته دیدار کردند.

بنا بر خبری دیگر بدنال اعتراض شبانه مردم در آبدانان در چهارشنبه ۱۲ بهمن

امروز ۱۴ بهمن همانند جمعه های گذشته مردم در شهر زاهدان وسیعاً به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. مردم شعار میدادند: "این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت!"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "چه دار باشه چه زندان، ایستاده ایم تا پایان". یک دست نوشته جالب مردم در زاهدان نوشته "زیر بار ستم نمیکنم زندگی، جان فدا میکنم در راه آزادی" بود. سرودی که کارگران در هیکو آنرا سردادند و از سوی کارگران در دیگر مراکز کارگری نیز فریاد زده شد. همچنین یک شعار قابل توجه در تظاهرات مردم در زاهدان شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد بود. در این شهر تعداد زیادی دستگیر شده اند. شمار بازداشت شدگان انقلاب در زاهدان و دیگر شهرها بسیار بالاست. با کارزاری قدرتمند باید تلاش کرد تمامی دستگیر شدگان آزاد شوند.

امروز در سنجلی نیز مردم در اعتراض به سرکوبگری های حکومت و دستگیری دو تن از آخوندهای اهل سنت به اسامی ماموستا ابراهیم آزاد و لقمان آزاد توسط سرکوبگران حکومت تجمع و راهپیمایی کردند و شعارهای اعتراضی سر دادند و خواستار آزادی همه دستگیر شدگان گردیدند.

روز گذشته کشاورزان شرق اصفهان نیز

از انقلاب ۵۷ تا ...

از صفحه ۶

کارگر است، و رو به حکومت نماینده کل جامعه؛ پیش نیاز "تحقق عمیق نه مردم" این است که "کمونیسم متشکل" به خود این چنین نگاه کند تا بتواند هژمونی در تحولات انقلاب عظیم زن زندگی آزادی را بدست آورد.

بحث تشکیل حزب کمونیست برای جریان کمونیسم کارگری، برای حزب کمونیست کارگری یکبار برای همیشه نبوده است و تاریخ این را ثابت کرده است که تنها به داشتن تشکیلات خود را مفتخر نمی کند. از مارکسیسم انقلابی تا کمونیسم کارگری، حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی، بحث سلبی و اثباتی، تا نقش حزب در انقلاب، جنبشهای

سازماندهی مبارزات طبقه کارگر دارند. در دنیای واقعی طبقه کارگر به فرشته نجات نیاز ندارد بلکه به جریانی و تشکیلی نیاز دارد که بتواند مطالبات و خواستهای صنفی و سیاسی او را نمایندگی کند. آن "گرایش متمایز سیاسی-طبقه‌ای" که میتواند طبقه کارگر را نمایندگی کند کمونیستهای متشکل در حزب کمونیستی است.

دامنه بحثهایی که در متن انقلاب ۵۷ بر سر تشکیل حزب کمونیست شکل گرفت در تاریخ واقعی "به تزه های این زمان میرسد که به درستی از سوی حزب کمونیست کارگری تاکید میشود که حزب کمونیستی رو به جامعه نماینده طبقه

متشکل شدن در حزب موجود کمونیستی، حزب کمونیست کارگری است که بی تعارف خود را حزب سیاسی طبقه کارگر میداند، که حضورش در فضای سیاسی ایران فرصت مغتیمی است، که با تکیه به تجربه چهل و چهار سال بحث و جدل، نظری و عملی، نقش تاریخی خود را ایفاء کند.

طبقه‌ای، جنبشهای اعتراضی و مساله قدرت سیاسی، حزب سیاسی و فرقه های ایدئولوژیک و و همه بحثهایی بوده که به روزش سنگی را از سر راه حزب کمونیست کارگری به مثابه حزب سیاسی کارگران برداشته است. این برای حزبی که میخواهد "منشا اثر" باشد، تا جامعه او را انتخاب کند یک ضرورت است. در انقلاب زن زندگی آزادی بحث اکنون

پتیشن برای اخراج نمایندگان جمهوری

اسلامی از سازمان جهانی کار

فری دم نو، پتیشنی را برای جمع آوری امضا آغاز کرده است. این پتیشن به اجلاس عمومی سازمان جهانی کار تسلیم خواهد شد. برای امضا، به لینک پتیشن در پارکد زیر و یا به

سایت فری دم نو بروید.

WWW.free-them-now.com





بیمارستانی در شیراز انتقال داده شده است. او سه فرزند دارد و پزشکان هزینه درمان او را معادل 5000 دلار اعلام کرده اند. خانواده احمد توان پرداخت این هزینه را ندارد. کمک کنیم تا فوراً بتواند درمانش را شروع کند. جمهوری اسلامی این حکومت زندان، اعدام، شکنجه باید در سطح جهان بایکوت شود (کمپین برای آزادی کارگران زندانی)

دولت مکرون است و شماری از اتحادیه های بزرگ کارگری فرانسه از جمله اتحادیه حمل و نقل عمومی و مدرسین دانشگاه و مدارس و کارمندان دولتی دست به اعتصاب گسترده و تجمع و راهپیمایی زده اند. یک شعار جالب مردم فرانسه عبارت بود از: "آری به بازنشستگی همراه با سلامتی، نه به مردن در حین کار".
نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ بهمن ۱۴۰۱، فوریه ۲۰۲۳

کرده و به خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند تسلیت میگوید. حزب مردم در تمام شهرها را به حمایت و کمک رسانی فعال به مردم زلزله زده خوی فرا میخواند.

هم اکنون گروههای مردمی در خوی به سختی مشغول کمک رسانی اند. این گروهها را میتوان و ضروریست که به صورت شوراهای محلی سازمان داد تا هم امورات معیشتی و کمک دهی به مردم آسیب دیده سر و سامان بهتری پیدا کند، هم مردم در صفا سازمانیافته تر و متحدرتر بتوانند پیگیر حق و حقوق خود و خواستها و نیازهای فوری شان باشند و با قدرت بیشتری سرکوبگری های حکومت را عقب زد.

نابود باد حکومت اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ بهمن ۱۴۰۱، فوریه ۲۰۲۳

احمد آذر کمند، کارگر، زیر شکنجه آسیبهای جدی دیده و برای معالجه نیاز به کمک دارد

احمد آذر کمند، ساکن هنگویه هرمزگان در ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲ توسط سرکوبگران حکومت دستگیر شد و در ۶ دسامبر ۲۰۲۲ در حالی که بر اثر شکنجه به شدت مجروح شده بود، به خانواده اش تحویل داده شد!

در اثر شکنجه شش عدد از مهره های کمر این کارگر شکسته شده و او قادر به تکلم نیست و با این وضعیت وخیم به

خواستهایشان دست از کار کشیده و تجمع کردند. این کارگران شب گذشته در تحصن و اعتراض بودند. این کارگران دو هفته است که در اعتراض بسر میبرند.

انقلاب ایران انعکاس بسیار جهانی دارد. از جمله در راهپیمایی وسیع صدها هزار نفره کارگران اعتصابی در فرانسه در اعتراض به لایحه افزایش سن بازنشستگی که دولت مکرون میخواهد تصویب کند، پلاکارد "ژن ژیان آزادی" بطور برجسته ای به چشم میخورد. اشاره کنیم که فرانسه بار دیگر شاهد اعتراضات وسیع علیه

اعتراض هستند بالا بگیرد. در این میان مشتی دزد و چپاولگر نیز مثل همیشه فعال شده اند تا از قبل سوء استفاده از این وضعیت فاجعه بار پولی به جیب بزنند. در برابر این وضعیت و عدم پاسخگویی مقامات حکومت مردم خوی فریاد اعتراضشان بلند شده و شاهد تجمعات متوالی مردم این شهر مقابل هلال احمر و فرمانداری هستیم و امروز نیز در این محل مردم تجمع اعتراضی داشتند.

رها کردن مردم در کام بلایای طبیعی در بی تامینی مطلق بخشی از کارنامه ننگین رژیم ضد انسانی و چپاولگر حاکم است. آنچه که امروز بر سر مردم خوی آمده را قبلاً در کرمانشاه و خوزستان و خراسان و گوشه گوشه این کشور شاهد بوده ایم.

حزب کمونیست کارگری همبستگی عمیق خود را با زلزله زدگان خوی اعلام

تجمع خانواده های محکومان به اعدام، اعتصاب کارگران مس فلز رنگین، اعتراضات شبانه مردمی و اخباری دیگر

سر دادند. در اصفهان گروهی از مردم به خیابان آمدند و با تجمع و راهپیمایی شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در خیابان بهارستان این شهر جوانان همچنین با آتش زدن بنرهای تبلیغاتی و پرچم های حکومتی به مناسبت "دهه فجر" خشم و نفرت خود را اعلام داشتند. در جوانرود روز گذشته دانش آموزان یک مدرسه به خیابان آمدند و شعار دادند: "از زاهدان تا ایذه، خون از وطن می ریزد"، "مرگ بر خامنه ای"، "لعنت بر خمینی". همچنین در شب گذشته در گرمدره کرج، جوانرود و دربند و امانیه و محلات دیگری از تهران و دیگر شهرها شعاردهی های اعتراضی شبانه جریان یافت.

شکل دیگر از اعتراض مردم شعار نویسی علیه حکومت است و دیوارهای شهرها رنگ انقلاب زن، زندگی، آزادی را بخود گرفته است.

در این روز همچنین کارگران کارخانه مس فلز رنگین در شهر بابک استان کرمان در اعتراض به پایین بودن حقوق و مزایای دریافتی خود و عدم پاسخگویی به

امروز چهارشنبه دوازده بهمن بار دیگر خانواده های محکومان به اعدام با شعار "اعدام نکنید" و با خواست لغو احکام اعدام عزیزان خود و توقف اعدامها بار دیگر مقابل ساختمان قوه قضاییه جمهوری اسلامی تجمع کردند.

اعدام ابزار سرکوب حکومت علیه مردم است و این تجمعات گوشه ای از جنبش علیه اعدام در ایران را بازتاب میدهد. از تجمعات خانواده های محکومان به اعدام باید وسیعاً حمایت کرد. اعدام این قتل سازمان یافته حکومتی باید متوقف و ممنوع شود.

امشب نیز مثل شبهای دیگر در محلاتی از تهران همچون اکباتان، دربند، بلوار فردوسی و شهرهای دیگر همچون آبدانان، فولاد شهر، هشتگرد، خرم آباد و اصفهان مردم به شیوه هایی نظیر آتش روشن کردن در کف خیابان و فریاد شعارها از پشت بامها اعتراض کردند و فریاد سرنگونی سر دادند. در آبدانان جمعی از جوانان با روشن کردن آتش خیابان را بستند و شعار مرگ بر دیکتاتور

صدمات زلزله در خوی و چهره ضد انسانی حکومت

هیچ نوع امکاناتی در سرمای کشنده این منطقه به حال خود رها شده اند. جمهوری اسلامی مثل همیشه به جای هر گونه کمک رسانی ای به مردم آسیب دیده، از یکسو دروغ و وعده تحویل مردم میدهد و از سوی دیگر از ترس اعتراضات مردمی، فوراً نیروهای مزدور و سرکوبش را بسیج کرده و منطقه را امنیتی کرده است.

در برابر این حکومت جنایتکار و دزد و چپاولگر مردم زلزله زده در این منطقه خود وارد عمل شده و برای کمک رسانی آسیب دیدگان و آوار برداری و نجات جان انسانها تلاش میکنند. بنا بر خبرها مردم از دیگر شهرها با زلزله زدگان خوی اعلام همبستگی کرده و کمک رسانی ها براه افتاده است. حکومت تلاش میکند جلوی این کمک ها را بگیرد تا مبادا فضای همبستگی با این مردم که یکپارچه خشم و

این بار در خوی مردم بخاطر زلزله و بی تامینی در برابر چنین بلایایی قربانی میدهند. در جریان این زلزله که ۵ و ۹ دهم ریشتر گزارش شده است، بیش از ۱۳۰۰ نفر مصدوم و بنا به گزارشات رسمی ۳ نفر جانشان را از دست داده اند. بعلاوه طبق گزارشات این فاجعه موجب خسارات سنگینی به منازل و ساختمانها و زندگی مردم شده است و مردم بسیاری در این منطقه بی خانمان و آواره شده اند. زلزله زدگان که بدون امکانات در هوای سرد در حالت آوارگی قرار دارند، نسبت به عدم رسیدگی به وضعیت خود بسیار خشمگینند و اعتراض دارند و خواهان حل معضلات زیستی خود و تامین فوری چادر و امکانات گرمایشی و سایر نیازها هستند.
دهها هزار تن از زلزله زدگان بدون

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران



پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۷ تا ۹ بهمن ۱۴۰۱ (۲۷ تا ۲۹ ژانویه ۲۰۲۳) با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی و همینطور مشاورین و کادرهای حزب برگزار شد. در این پلنوم که بصورت آنلاین - ویدیویی برگزار شد اعضای حزب نیز دعوت شده بودند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان انقلاب جاری شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد. نشست کمیته مرکزی این بار اساسا رنگ و بوی شرایط انقلابی در ایران را داشت و گزارشات و مباحث نیز حول آن متمرکز بود.

حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه تاکید کرد که انقلاب جاری علیه یک حکومت مذهبی ضد زن، ضد زندگی و ضد آزادی است و از اینرو انقلاب خصلتی عمیقاً ضد مذهبی دارد. او به مبارزات پیگیر حزب علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی و علیه اسلام سیاسی در ایران و در سراسر دنیا اشاره کرد و گفت مبارزات ده ها ساله حزب در شکل گیری انقلاب حاضر نقش موثری ایفا کرده است. او تاکید کرد که انقلاب زن زندگی آزادی تنها علیه حکومت جمهوری اسلامی نیست بلکه همچنین علیه کل نظامی است که به وجود چنین حکومتی نیازمند است. او در ادامه به این اشاره کرد که در صد سال اخیر دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری از

منافع یک درصدی های مفتخور حاکم پاسداری میکرده اند و انقلاب جاری میروند تا یک بار برای همیشه به دیکتاتوری فقر و سرکوب و بی حقوقی در جامعه ایران پایان دهد. حمید تقوایی در بخش آخر سخنانش گفت مردم مدت هاست، مشخصاً از خیزش ۹۶ تا به امروز حکومت را، مسئول اداره امور جامعه نمیدانند بلکه آنرا دشمن خود میدانند و حکومت نیز علناً مردم را دشمن اعلام کرده است؛ استراتژی حکومت بکش و بمان است، حکومت بر ای بقای قدرت خود میجنگد و مردم برای بقای زندگی. اما هیچ حکومتی نمیتواند همه جامعه را بکشد و یا آنرا سرنگون کند. پیروان جنگ فقط میتوانند مردم باشند.

بدنبال تصویب آیین نامه و دستور جلسات کمیته مرکزی، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارش فشرده ای از فعالیت حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. او ضمن اشاره به فعالیت ارگان ها، فونکسیون ها و کارزارها که گزارشات آنها از قبل برای اعضا و مشاورین کمیته مرکزی ارسال شده بود بر حقانیت سیاسی و پراتیک گسترده و تاثیرگذار حزب و پیشروی های قابل ملاحظه در داخل و خارج کشور تاکید گذاشت. اینکه تاکید میکریم حجاب پرچم حکومت و کل جنبش اسلام سیاسی است و جامعه حول مساله زن و مذهب قطعی میشود و همین اتفاق افتاد و بنیادهای ایدئولوژیک و سیاسی حکومت را نشانه گرفت. اینکه انقلاب همگانی

است و اقشار مختلف مردم در آن شرکت دارند. گفته بودیم فضای چپ در جامعه و جنبش های اعتراضی دست بالا دارد. خیزش چهار ماه اخیر حقانیت حزب را بار دیگر بخوبی نشان داد. اصغر کریمی همچنین به پراتیک گسترده و دخالتگرانه حزب در داخل و خارج کشور در امر سازماندهی و تقویت گرایش رادیکال در اعتراضات و به نقش ویژه چند ارگان: سازمان جوانان، کمیته سازمانده، انقلاب زنانه، تشکیلات خارج کشور حزب و نیز کانال جدید بعنوان رسانه راستین انقلاب و همچنین فعالیت های گسترده برای بلند کردن صدای زندانیان سیاسی در سطح جهان و به سایر فعالیت حزب اشاره کرد. رئیس هیئت اجرایی از فعالین حزب در داخل و خارج کشور که نقش مهمی در سازماندهی فعالیت های مختلف داشته اند و بویژه از حمید تقوایی که نقش موثری در پیشروی و انسجام حزب دارد از طرف حاضرین در پلنوم قدردانی کرد.

محسن ابراهیمی رئیس دفتر سیاسی حزب در سخنرانی خود به همدلی و همجهتی بالا میان دفتر سیاسی و هیئت اجرایی حزب، فضای پر بحث در باره مسائل حاد جامعه و دخیل بودن در مسائل واقعی جامعه اشاره کرد. او گفت نشست های کمیته مرکزی که هر شش ماه یکبار برگزار میشود، با گزارشهای مفصل مسئولین کمک میکند پیکره بزرگ حزبمان را ببینیم که بسیار گسترده و منسجم و دخیل در تمام عرصه های مبارزه است. حزبی که در آن یک رهبری

سیاسی با درایت و تعداد زیادی عضو و کادر فعال و دلسوز با یک همدلی عمیق کنار هم کار میکنند. او اظهار داشت در سالهای گذشته انقلابات متعددی برای آرمانهای انسانی رخ داده است اما به خاطر نبود یک حزب سیاسی رادیکال توسط لاشخورانی مثل حزب اخوان المسلمین و بعداً ژنرال السیسی شکست خورده اند. اینها نشان میدهند که وجود یک حزب سیاسی قوی مثل حزب ما برای پیروزی انقلاب ضروری است. او در خاتمه گفت باید قدر این حزب را بدانیم و تلاش کنیم با فعالیت های گسترده تر در پیروزی انقلاب ایران نقش شایسته خود را ایفا کنیم.

کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست با اشاره به اینکه پلنوم حزب در جریان یک رنسانس انسانی در ایران و انقلاب برای زن زندگی آزادی برگزار میشود گفت که همگام با شروع انقلاب در هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱، دانشجویان، زنان، جوانان و دانش آموزان نقش بسیار پر رنگی در رادیکالیزه کردن در تداوم و پیشبرد انقلاب، حاشیه ای کردن تعبیر واپسگرایانه از انقلاب و در یک کلام پیشبرد انقلاب داشتند. در روند این انقلاب سازمان جوانان کمونیست در بین جوانان، زنان، دانشجویان، دانش آموزان، رنگین کمانها و بیخدايان برای دخالتگری سازمانیافته در انقلاب جاری، تاکید بر همگانی و سراسری بودن انقلاب



را از لحاظ نقش تاریخسازش با انقلاب کبیر فرانسه مقایسه کنند.

زنان قهرمان ایران، کارگران نفت و فولاد و هفت تپه و سایر مراکز کارگری، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، دانش آموزان، جوانان و مردم شجاع تهران، سنندج، زاهدان، تبریز، مشهد و سایر شهرهای ایران! شما فی الحال جمهوری اسلامی فرتوت اما جنایتکار و آدمخوار را کاملاً به محاصره خود در آورده اید. همه دنیا دارد صدای خرد شدن استخوانهای این هیولای بچه کش را می شنود. شما قلب جهان را به تسخیر درآورده اید و هر انسان شریفی از شما حمایت میکند تا هرچه زودتر جمهوری اسلامی را به قعر گورستان تاریخ بفرستید. حمایت مردم جهان حتی بسیاری از دولت ها را ناگزیر کرده تا بقول خودشان در سمت درست تاریخ بایستند. مردم، پیروزی از آن شماست!

ما که از روز اول تاسیس حزبمان، برای چند دهه بی وقفه برای رسیدن به چنین روزی فعالیت کرده ایم، در کنگره اخیرمان از پیش به استقبال انقلاب کنونی رفتیم و گفتیم "ما همه باهم هستیم!" اکنون میخواهیم در دل این انقلاب یکبار دیگر این پیمان را تجدید کنیم و بر اهمیت آن پای فشاریم. جمهوری اسلامی را باید با

تداوم و بسط و تعمیق انقلاب مان، با ارتقاء سازماندهی در هر کارخانه، محله، مدرسه، دانشگاه، در سطح هر شهر و روستا و با گسترش اعتصابات و اعتراضات در سطح سراسری به زانو درآورد. باید از هم اکنون ارگانهای اعمال قدرت بلافصل مردم، شوراها را در همه جا بنیان گذارد و آماده بود تا طرحی سرتاپا نو برای برگرداندن اختیار به انسان دراندازیم. تحقق کامل شعار زن زندگی آزادی در گرو قدرت گیری طبقه کارگر و مردمی است که به صف آزادی و برابری و سوسیالیسم پیوسته اند. حزب کمونیست کارگری حزب رهبری و سازماندهی این امر عظیم و تاریخی است. شما را به صفوف حزب فرامیخوانیم.

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی!
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری
۷ بهمن ۱۴۰۱، ۲۷ ژانویه ۲۰۲۳

اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریان، شیوا محبوبی، سیاوش مدرسی، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان یافت. اختتامیه حمید تقوایی به محورهای وظایف حزب برای پیشبرد و تقویت انقلاب اختصاص داشت. او سه مولفه ترسیم افق و راه پیشروی و پیروزی انقلاب، تقویت مبارزات خیابانی در داخل و خارج کشور، و خشی کردن موانعی که اپوزسیون راست بر سر راه انقلاب ایجاد میکند را بعنوان اولویتهای فعالیت حزب در دوره آتی برشمرد و تاکید کرد که حزب با تمام توان و امکاناتش این وظایف را به پیش خواهد برد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ بهمن ۱۴۰۱، ۱ فوریه ۲۰۲۳

به مردم ایران، به کارگران نفت، به زنان، به ایرانیان مقیم خارج، به دستگیرشدگان، زندانیان سیاسی و خانواده های جانباختگان، به فعالین جنبش های اجتماعی، به ورزشکاران معترض و به زنان افغانستان قرائت شد. در پایان پلنوم همچنین پیامی خطاب به مردم زلزله زده در خوی قرائت گردید.

در مبحث انتخابات ابتدا حمید تقوایی بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنبال آن ۲۶ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، آذر پویا، امیر توکلی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، شیرین شمس، میثم عتیق، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزاد،

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به مردم ایران!

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم!

جهان، جهل و مرگ و لجن پاشیده است. پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی، نه فقط اسلام سیاسی را در زادگاهش به گور تاریخ می سپارد، بلکه یک منبع اصلی توجیه ارتجاع و عقبگرد و تروریسم دولتی در سایر نقاط را نیز خشک خواهد کرد و جهانی نوپدید خواهد آورد.

اثرات انقلاب شما اما حتی عمیقتر و وسیعتر از این است. برای اولین بار در تاریخ بشر انقلابی عظیم و اجتماعی به نام "زن" آغاز شده است و نظم تبعیض آمیز و نابرابر چندین هزار ساله مردسالار بر جوامع بشری را به چالش کشیده است. برای اولین بار انقلابی که علیه یکی از آدمکش ترین و خونخوارترین رژیم های تاریخ بشر برپا شده و بر خون هزاران نفر از بهترین فرزندان شما ساخته شده، چنین متمدنانه و انسانی و متعالی فریاد "زندگی" سر داده است. و به همین اعتبار برای اولین بار در تاریخ بشر انقلاب شما چنان تعریفی بسیط، عاری از هرگونه محدودیت ملی و مذهبی و قومی و جنسیتی از "آزادی" به دست داده که برخی متفکران را به حق به صرافت انداخته که انقلاب شما

انقلاب شما، انقلاب زن زندگی آزادی، که از اجتماع پرشکوه مردم سقز در اعتراض به قتل جانگداز مهسا امینی چون آتشفشانی فوران کرد و به سرعت سراسر ایران را درنوردید، اینک چشمان سرشار از شگفت زدگی، تحسین و امید جهانیان را به خود خیره ساخته است. از میدان های لندن، پاریس، برلین، استراسبورگ و صدها شهر بزرگ و کوچک جهان، تا صفحات میدیای اجتماعی و تلویزیونها و روزنامه های معتبر بین المللی، از سخنرانی ها در پارلمانهای کشورهای اروپایی تا اظهارات روی فرش قرمز جشنواره های هنری مشهور و در اجتماعات بزرگ ورزشی، در همه جا، غریو انقلابی شما یعنی زن زندگی آزادی، طنین انداز شده است.

دنیا بویژه به وجد آمده است چرا که انقلاب شما علیه جمهوری اسلامی میروید تا به یک دوره سیاه چهل و چند ساله تاریخ معاصر جهان پایان بخشد. دوره ای که بر متن به خون کشیدن انقلاب ۵۷، اسلام سیاسی کثیف عروج کرد که نه فقط بر ایران که بر سراسر منطقه و کل

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی ...

از صفحه ۱۰

بهبود و گسترش فعالیت حزب ارائه دادند.

از یکطرف انقلاب زن زندگی آزادی و از طرف دیگر فعالیت های گسترده ارگانها و فعالین حزب در داخل و خارج کشور شور دیگری به نشست کمیته مرکزی داده بود. گزارشات کمیته ها و نهادها و کارزارهای مورد حمایت حزب حاکی از یک حزب شاداب و دخالنگر و رو به رشد در داخل و خارج کشور بود.

در این پلنوم قطعنامه ای تحت عنوان «چپ، راست و انقلاب جاری» (که توسط حمید تقوایی و قراری درباره تمامیت ارضی که توسط حسن صالحی ارائه شده بود به اتفاق آرا به تصویب رسید.

در نشست کمیته مرکزی همچنین بیانیه ای تحت عنوان زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی و پیام های متعددی خطاب

و پاسخ عملی به مسئله ائتلاف سازی و معرفی سازماندهی خیابان به جای چنین راهکارهایی نقش موثری ایفا کرد. کیان آذر بر مبنای پیشروی های انجام گرفته گفت که پتانسیل عظیمی برای رهبری انقلاب در برابر ما وجود دارد و میتوانیم این پتانسیل را به امری بالفعل تبدیل کنیم.

بدنبال این سخنرانی ها مسئولین کمیته های سازمانده، کردستان، آذربایجان، خارج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئول کمیته مالی حزب و همینطور بیست و یک نفر دیگر از مسئولین سایر ارگانها و عرصه ها گزارش فشرده ای از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همینطور کادرها و اعضای شرکت کننده در پلنوم فعالانه نقطه نظرات و پیشنهادات خود را برای



بیانیه پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران زنده با انقلاب زن زندگی آزادی

که سوخته اند اما یک روز هم نساخته اند.

این یک انقلاب واقعی اجتماعی برای از ریشه خشکاندن ظلم و تبعیضات مزمن طبقاتی و محرومیت‌های اجتماعی و بی حرمتی انسانها است. نود و نه درصدیها مصممند به هر قیمتی به این دوران تاریک و تلخ و خونین و پر از رنج و استعمار و ستمگری و محرومیت بطور کامل و برای همیشه پایان دهند.

انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی است برای رهایی زنان، از بی حقوقیها و ستمگریها و تبعیضات و مقدسات مزمن قرون وسطائی و مذهبی. انقلابی است برای خلاصی کارگران و توده مردم از محرومیت و استعمار و تحقیر و بی اختیاری. انقلابی برای پایان دادن به یک تازی دستگاه مذهب و خرافه در جامعه. انقلابی برای تامین زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان.

این یک انقلاب انسانی است که میخواهد در قدم اول حاکمیت اسلامی را به زیر بکشد، زندانیان سیاسی را آزاد کند، اعدام را لغو نماید، آزادی بیان و تشکل و تجمع و بیان را قانون بی برو برگرد و بدون قید شرط اعلام نماید، درمان و آموزش را برای همگان رایگان اعلام کند، برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی را به طور

پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در حالی برگزار میشود که انقلابی که با نام زیبای زن زندگی آزادی آراسته شده، بیش از ۴ ماه است جریان دارد. این انقلاب، بپاخاستن توده مردم، زن و مرد و پیر و جوان، برای پایان دادن به جهنمی است که بیش از چهل سال است مافیای اسلامی و چپاولگر سرمایه داری بر جامعه و زندگی مردم حاکم کرده است. مردم از سرتاسر کشور برای دستیابی به زندگی ای درخور شان انسان بپا خاسته اند و مصممند نه فقط حکومت اسلامی را به زیر بکشند بلکه تمام قوانین و سنتها و تفکر و سیاستهای متعفن و ضد انسانی ای را که این حکومت نمایندگی میکند از جامعه جارو کنند و طرحی نو دراندازند. از نظر مردم این انقلابی است برای نفس کشیدن، برای زن بودن و تحقیر نشدن، برای زنده ماندن و اعدام نشدن، برای شلاق نخوردن و شکنجه نشدن، برای گرسنه نماندن و بیخانمان نشدن، هر روز هوای پر از سموم و کثافات را تنفس نکردن، کودکان را در خیابانها در حال رنج و کار ندیدن، به جرم عشق و دوستی زندانی نشدن و به کولبری و قربانی شدن در مرزها محکوم نبودن. این انقلاب زنان و جوانان و کارگران و مردمی است که بیش از چهل سال است

یک وجه مهم و شورانگیز انقلاب زن زندگی آزادی، جنبه جهانی آنست. حکومت اسلامی یک ارتجاع ضد انسانی نه فقط در ایران بلکه در سطح منطقه و جهان است. و انقلاب برای سرنگونی این حکومت همراهی و حمایت دهها میلیونی مردم در گوشه و کنار دنیا را با خود دارد و این همراهی شورانگیز یک فاکتور مهم در پیشروی و پیروزی انقلاب برای دستیابی به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه است.

انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی برای تحولی انسانی و سوسیالیستی یعنی خلع ید از طبقه مفتخور سرمایه دار و بدست گرفتن اختیار جامعه توسط خود انسانهاست. این انقلاب با صدای رسا اعلام میکند که دوران دیگری در جامعه ایران آغاز شده است. دوران رهایی. دوران انسانی کردن جامعه. دوران عملی کردن کامل آزادی و برابری و رفاه اجتماعی برای همگان.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ بهمن ۱۴۰۱، ۲۷ ژانویه ۲۰۲۳

کامل عملی کند، و رفاه را حق تک تک مردم اعلام نماید. تمام این خواستها و اهداف را کارگران و بازنشستگان و معلمان و دانشجویان و زنان معترض طی سالهای متمادی در شعارها و بیانیه ها و اعتراضات و سخنرانیها و تجمعاتشان به اشکال مختلف و به کرات بیان کرده اند. و امروز با انقلاب باشکوه زن زندگی آزادی مصممند آنها را عملی کنند.

حکومت توحش اسلامی برای سرپا ماندن همچون همیشه به ابزار سرکوب و جنایت و اعدام متوسل شده و در تقلاست که با سرکوب و کشتار خود را سر پا نگه دارد. تاکنون چند ده هزار نفر از معترضین دستگیر و زندانی شده اند و صدها نفر از جمله دهها کودک به قتل رسیده اند و شماری از عزیزان مردم توسط جلادان حاکم اعدام شده اند.

اما انقلاب دارد آشکارا تاکید میکند که دوران این نیروی وحشی و متحجر و ضد انسان بسر رسیده است. مردم عزم کرده اند که چپاولگران تاریک اندیش اسلامی را به هر قیمتی شده به زیر بکشند و با هیچ درجه از بی رحمی و توحش توسط حاکمین از پای نخواهند نشست.

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به فعالین جنبشهای اجتماعی

در به ثمر رسیدن انقلاب و تحقق جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی، نظامی سوسیالیستی ایفا نمایند.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۸ بهمن ۱۴۰۱، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۳

انقلاب و امر سازماندهی جنبشهایی که در آنها دست اندر کار بوده اید بر دوش شما چهره های محبوب و شناخته شده است. ایجاد شوراها و دخالت دادن توده اهالی در محیط کار و تحصیل و زندگی در گرو فعالیتهای پیگیر شما است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری فعالیت های بی وقفه و ارزنده شما فعالین جنبش های اجتماعی را ارج مینهد و شما را فرامیخواند تا با اتکا به کوهی از تجربه و اندوخته مبارزاتی همگام و متحد نقش ارزنده و کارسازی

جنبش دادخواهی و علیه اعدام، از جنبش ضد آپارتاید جنسیتی، تا دفاع از حقوق کودکان و محیط زیست، دفاع از رنگین کمانی ها، و در سایر عرصه ها در زمینه سازی انقلاب جاری از خود مایه گذاشته اید و علیرغم زندان و شکنجه و سرکوبگری های حکومت به مبارزات خود ادامه داده اید. امروز این انقلاب بر مراتب بیشتر از هر دوره ای نیازمند حضور مداوم و راهگشای شما در جهت تداوم و پیشروی و پیروزی است. تعمیق و تعیین مضمون و خواست ها و شعارهای

انقلاب زن زندگی آزادی انقلابی است برای سرنگونی جمهوری اسلامی، پایان بخشیدن به تبعیض و سرکوب و فقر و دیکتاتوری و تحقق جامعه ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی و شما فعالین جنبش های اجتماعی، صنفی، مدنی و سیاسی، طی سالها مبارزه در عرصه های مختلف اعتراضات اجتماعی، در هموار کردن افق و اهداف این انقلاب سهم بسزایی داشته اید.

شما فعالین جنبشهای اعتراضی، از جنبش کارگری تا جنبش رهایی زن، تا

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران نفت



کارگری را عامل تعیین کننده ای در فلج اقتصادی حکومت و تقویت انقلاب جاری میدانند و شما را به اعتصاب سراسری فرا میخوانند. زنده باد کارگر نفت ما!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۸ بهمن ۱۴۰۱، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۳

سازمانیافتن اعتراضات کارگران در همه بخشها باشد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری از مبارزات شما کارگران نفت و از خواستههای برحق تان قاطعانه پشتیبانی میکند.

دوستان کارگر!

باید خود را برای طوفان عظیمی که در راه است آماده کنیم. یک گام فوری و مهم در این راستا تکثیر تجربه شورای سازماندهی اعتراضات در تمامی بخش های نفت و در کلیه مراکز کارگری است. کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری اعتصاب شما بعنوان بخش کلیدی و پیشتاز جنبش

چنین رسا و شجاعانه از جانب شما کارگران نفت سر داده شد. حکومت اسلامی دست به سرکوب زد و ۲۵۰ نفر را دستگیر کرد. اما در برابر اولتیماتوم شما و از ترس گسترش اعتراض در نفت آنها در کوران انقلاب عقب نشست و بازداشت شدگان را آزاد کرد.

یک دستاورد مهم مبارزاتی شما در این چند سال ایجاد "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" است که در این روزهای انقلاب نقش موثری در اتحاد شما کارگران نفت ایفا کرد و به سخنگوی شما تبدیل شد. شورای سازماندهی میتواند الگو و نمونه ای برای

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به شما کارگران رسمی و غیر رسمی و پیمانی نفت شاغل در بخش های مختلف این صنعت کلیدی که همراه با اعتراضات خیابانی با اعتراضات متوالی خود شجاعانه حصارهای امنیتی حکومت را شکستید و نقش آفرین بوده اید درود میفرستد.

درود به شما که در همان هفته های آغازین انقلاب با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای به اعتراضات مردمی در کف خیابان پیوستید و اعلام حمایت کردید. این فریاد کل جنبش کارگری در همبستگی با انقلاب بود که

پیامی از یک کادر حزب به پلنوم ۵۶ حزب کمونیست کارگری



فریاد می زنیم ما آزادی و رفاه می خواهیم. ما آقا بالاسر نمیخواهیم، وکالت بی وکالت، ما به هیچ دیکتاتوری ای رای نمی دهیم. ما جامعه ای میخواهیم شاد، آزاد، برابر، انسانی که در آن انسانها اختیار داشته باشند. بله ما اعضا و کادرهای این حزب در کف خیابان هستیم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران.
۹ بهمن ۱۴۰۱

**به حزب کمونیست کارگری
بیونیدید!**

tamas.wpi@gmail.com

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @sazmande

فریاد زاهدان، کردستان چشم و چراغ ایران را سر دادیم و صف قدرتمندی را در برابر سرکوبگری های حکومت در این کانونهای گرم انقلاب به نمایش گذاشتیم. رفقا صدای مرا از وسط خیابانهای تهران می شنوید. امروز اینجا زنان و دختران بدون ترس از سرکوب و توحش مزدوران جمهوری اسلامی بدون تن دادن به حجاب اجباری، در خیابان و بر سرکار خود حاضر می شوند.

ما همان دختران انقلابیم. بگذارید از روزی برایتان بگویم که با جمع زیادی از زنان حجاب برداشتیم و با سری افراشته از میان صف سرکوبگران حکومت گذر کردیم و در خیابان رژه رفتیم و همان مزدوران مقهور شجاعتمان شدند.

من از جنگ و گریز در خیابان و نفس بردن بخاطر گاز اشک آور و فریاد آزادی، آزادی، آزادی و از عزم راسخ جامعه برای تداوم انقلاب برایتان میگویم.

ما منادیان "زن، زندگی، آزادی"، عصیان کنندگان علیه آپارتاید جنسی، قیام کنندگان علیه فقر و تبعیض و نابرابری هستیم و برای رهایی زن و کل جامعه با فریاد حجاب بی حجاب در مقابل بیش از چهل سال توحش و چپاول و غارت این حکومت ایستاده ایم و تا لحظه پیروزی نهایی خواهیم ایستاد.

اصلا ما خود حزیم در کف خیابان.

و سواره و از هر سوی شهر فریاد زنان خود را به دانشگاه شریف رساندیم و حاکمیت ظالم را مجبور به عقب نشینی کردیم و عزیزانمان را از چنگالشان بیرون کشیدیم. از اتحاد و همبستگی مردم در شب آتش سوزی اوین سخن می گویم. عجیب شبی بود، زن و مرد با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای، سینه به سینه گارد سرکوب و مزدوران جمهوری اسلام ایستادند تمامی مسیرها به سمت زندان اوین مملو از جمعیت سواره و پیاده و موتور سوار شد. حکومت فهمید با وجود این اتحاد دیگر نمی تواند زندانیان سیاسی را به این راحتی حذف کند.

از اتحاد و همبستگی مردم در شبی می گویم که خبر غریب و الوقوع بودن اعدام محمد بروغنی و محمد قبادلو در زندان گوهردشت به گوشمان رسید، مردم خشمگین از هر سو خود را به درب زندان رساندند و مانع اجرای حکم این دو جوان معترض شدند. باز حاکمیت مجبور به عقب نشینی شد.

سالها بود به رهبری حزب فریاد "نه به اعدام" سر داده بودیم و حالا در خیابان و با اتحاد مردمی ثمره تلاشمان را می دیدیم. حالا در هر گوشه ای مردم یک صدا فریاد می زنند "حکومت اعدام نمی خواهیم"، "اعدام نکنید"

رفقا درود افتخار دارم که یکی از کادرهای حزب در تهران هستم.

امروز می خواهم از زیبایی های انقلاب جاری در ایران برایتان بگویم.

سالها بود علیه حجاب و قوانین ضد زن و حاکمیت آپارتاید جنسیتی مبارزه کرده و بهایش را هم می پرداختیم اما از شهرویر امسال ورق دیگر گونه و به نفع مبارزه و خواسته های چندین ساله ما برگشت.

از لحظه ای که نام ژینا امینی رمز انقلابیمان شد و زن و مرد دست در دست هم و با شعار "زن زندگی آزادی" حجابها را آتش زده و به دورش حلقه زدیم و رقصیدیم، همبستگی برای این خیزش نهایی شکل دیگری به خود گرفت.

اینبار مردم تصمیم گرفتند تمام قد در مقابل حکومت جبار جمهوری اسلامی بایستند و متحدانه تا پیروزی این انقلاب از فرزندان انقلابی خود دفاع کنند. صحبت من درباره همبستگی های زیبایی است در بین مردم شاهدش بوده هستیم.

از همبستگی مردم برای نجات جان دانشجویان دانشگاه شریف که در حلقه محاصره سرکوبگران گرفتار شده بودند سخن می گویم. وقتی خبر محاصره دانشگاه شریف به گوش مردم رسید، پیاده

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در همدردی با مردم زلزله زده خوی



سرکوبگرشان را هم به جان مردم انداخته اند.

کمیته مرکزی حزب ضمن همدردی عمیق با شما مردم خوی، جمهوری اسلامی را بدلیل تحمیل فقر و محرومیت، رها کردن مردم به حال خود و سرکوب آنها شدیداً محکوم میکند و مردم شریف خوی و شهرهای دیگر را فرامیخواند به یاری زلزله زدگان بشتابند و حکومت را برای تامین فوری نیازهای مردم زلزله زده تحت فشار قرار دهند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ۹ بهمن ماه ۱۳۰۱، ۲۹ ژانویه ۲۰۲۳

باید گردد

مجازات اعدام قتل عمد دولتی است و باید ملغی گردد
گرامی باد یاد جانباختگان انقلاب!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۸ بهمن ۱۴۰۱، ۲۸ ژانویه ۲۰۲۳

در حین برگزاری نشست کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری از زلزله در خوی و درگذشت سه نفر و آسیب دیدن صدها نفر از مردم و همینطور خسارت مالی به مردم این منطقه مطلع شدیم. زلزله حادثه ای طبیعی است اما دلیل مستقیم خسارت جانی و مالی به مردم مستقیماً حکومتی است که مردم را در فقر و محرومیت نگهداشته است. زلزله های به مراتب بزرگتر در بسیاری نقاط جهان نه خانه ای را فرومیریزد و نه به آسیب کسی منجر میشود. جنایتکاران حاکم به جای کمک رسانی به مردم ماشین های آب پاش و اوباش

ایستاده است و با تمام قوا صدای شما دهها هزار زندانی سیاسی را در ایران و در سطح بین المللی رساتر خواهد کرد و همه مردم را به مبارزه ای جانانه برای آزادی شما و همراهی با خانواده های شما فرامیخواند. ما را همراه و در کنار خود بدانید.

زندانی سیاسی فوراً و بی قید و شرط آزاد

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به بازداشت شدگان انقلاب جاری، زندانیان سیاسی، و خانواده های جانباختگان

های بزرگداشت عزیزان جانباخته تان با صدای رسا اعلام کردید. شجاعت و استقامت شما قابل توصیف نیست. شما مادران و پدران و همسران جانباختگان درس شجاعت به دیگران دادید و عمیقاً در قلب همه مردم جا گرفته اید.

اکنون به یمن انقلاب زن، زندگی، شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، از همیشه فراگیرتر و رساتر شده است. تردیدی نداشته باشید که در زندانها را خواهیم شکست، دیوارهای زندانها را فرو خواهیم ریخت و عزیزان دربندان را در آغوش خواهیم گرفت، برای همیشه به اعدام یعنی قتل عمد دولتی پایان خواهیم داد و آمرین و عاملین سرکوب و قتل و اعدام و تجاوز و شکنجه را به محاکمه خواهیم کشاند.

حزب کمونیست کارگری یاد عزیز مهسا و نیکا و حدیث و کیان، خدانور و سارینا و غزاله و آیدا، هومن و فواد و کاروان، آیدا و ندا و یلدا و یاد محسن و مجید و مهدی و محمد که به دار آویخته شدند و یاد صدها جانباخته دیگر را صمیمانه گرامی میدارد. جانباختگان انقلاب همیشه در قلب دهها میلیون مردم جاودان خواهند ماند.

حزب کمونیست کارگری در کنار شما

درود ما به شما بازداشت شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی، به شما مبارزین انقلاب زن، زندگی، آزادی که شجاعانه در مقابل یکی از ارتجاعی ترین، بی رحم ترین و هارترین حکومت های جهان ایستاده اید. به شما که علیه بی عدالتی ها و فساد و تباهی حاکم بر کشور پیاخاسته اید، علیه نظام حاکم شوریده اید و زندگی و جان خود را در این راه هزینه کرده اید.

درود ما به شما خانواده های دستگیرشدگان که با سازمان دادن تجمعات اعتراضی و به اشکال مختلف، از عزیزان خود و آرمانهای آنها دفاع میکنید و علیرغم مصائب بیشماری که متحمل شده اید سرفراز در مقابل سرکوبگران ایستاده اید.

و درود به شما خانواده های جانباختگان که با شجاعتی توصیف نشدنی، همچون کوهی استوار بر مزار جگرگوشه های خود حماسه آفریدید، سخنرانی های پرشور کردید، الهام بخش دیگران شدید و غم و خشم عمیقتان را به کیفرخواست علیه قاتلان حاکم تبدیل کردید. شما به چهره های ماندگار جنبش دادخواهی تبدیل شدید و اراده یک جامعه برای تداوم انقلاب عمیق مردم را در مراسم

پیام پلنوم ۵۶ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به پزشکان و کادر درمان

انقلابی!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۹ بهمن ۱۴۰۱، ۲۹ ژانویه ۲۰۲۳



کارگری اعتراضات شجاعانه شما پزشکان و کادر درمان را ارج میگذارد و همه مردم را فرامیخواند که از مطالبات انسانی و اعتراضات شما و تلاششان برای نجات جان انسانها حمایت و پشتیبانی کنند. کمیته مرکزی حزب بر آزادی فوری و بدون قید و شرط پزشکان و کادر درمان بازداشتی و نیز بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان تاکید میکند.

درود بر پزشکان و کادر درمان شجاع و انقلابی!

درود بر پزشکان و کادر درمان شجاع و

شما در دفاع از جان انسانها زندانی و قربانی دادید. آیدا رستمی، پزشک جوانی که در جریان مداوای مجروحین توسط سرکوبگران حکومت ربوده شده و به قتل رسید، هرگز فراموش نخواهد شد. یاد او گرامی باد.

شما جانانه برای آزادی همکاران دربند خود و برای نجات جان مصدومین انقلاب جنگیدید و نقش مهمی در انعکاس جهانی انقلاب و جلب حمایت های پزشکان در سطح بین المللی داشتید. درود بر شما!

کمیته مرکزی حزب کمونیست

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به شما پزشکان و کادر درمان که در جبهه انقلاب زن، زندگی، آزادی در این چهار ماهه شجاعانه علیه جنایتکاران حکومت جنگیدید درود میفرستد.

شما با خواست عدم مداخله نیروی سرکوب در مداوای زخمی شدگان، فراخوان داده و تجمعات اعتراضی سازمان دادید، در برابر تعرض نیروهای سرکوب به بیمارستانها و تلاششان برای ربودن مجروحین انقلاب قهرمانانه ایستادید و شبکه مخفی و زیرزمینی معالجه و درمان زخمی شدگان را تشکیل دادید.